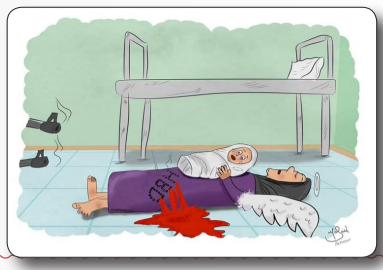


هم آغوشی مرگ و امید؛
مادری که هرگز
کودکش را به آغوش
نکشید!



ادعای فساد میلیونی در توزیع نان به نیازمندان هراتی



شورای ولایتی هرات ادعا دارد در توزیع نان به نیازمندان هراتی، هر هفته پنج میلیون افغانی فساد مالی و حیفومیل صورت گرفته است. شماری از اعضای «انجمن نانویان هرات» هم ادعا دارند، در توزیع آرد به نانویان فساد وجود دارد و به جای آرد قزاقی، برای شان آرد افغانی توزیع می‌شود. اسنادی که در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته نشان می‌دهد، شرکت قراردادی آرد، که هر بوجی ۵۰ کیلوگی آرد قزاقی را ۱۹۴۵ افغانی قرارداد نموده، در بدل عدم تحویل آرد به نانویان، مبلغ ۱۷۵۰ افغانی پرداخت کرده است. ریاست اتاق اصناف و پیشه‌وران هرات، شرکت قراردادی توزیع آرد و اتحادیه صنف نانویان، نهادی که موازی با «انجمن نانویان» فعالیت دارد، این ادعاها را بی‌اساس می‌دانند. شهرداری هرات هم حاضر نیست در این مورد چیزی بگوید.

رجز خوانی حکومت و طالبان؛

جهانیان هنوز صلح را راه حل مناقشه می‌دانند



کادر پزشکی در تخار: معاش و تحصیل است

کادر پزشکی در تخار، معاش و تحصیل است. این کادر پزشکی در تخار، معاش و تحصیل است. این کادر پزشکی در تخار، معاش و تحصیل است.

جنگ روایت‌ها

طالبان با شاخصه‌های دنیای جدید، مدارا، همه‌پذیری، تردید و بی‌یقینی بیگانه‌اند. تفاوت طالبان با ما شهرنشینان، مکتب رفته‌ها و دانشگاه رفته‌ها در همین است. آنان در میان هزاران مکتب و مشرب زنده‌ی جهان فقط به ابروایتی به نام اسلام، اعتقاد جزمی، قاطع و غیر قابل تغییر دارند.



یافته‌های یک تحقیق تازه: میزان افراد دارای معلولیت ۱۳ درصد افزایش یافته است



یافته‌های یک تحقیق تازه بنیاد آسیا نشان می‌دهد که میزان افراد دارای معلولیت در افغانستان افزایش یافته است. براساس این تحقیق، افغانستان با سپری کردن چهار دهه جنگ و خشونت، بزرگ‌ترین میزان جمعیت افراد دارای معلولیت را در جهان دارا است.

شرکت دولتی «پنبه‌دانه و روغن نباتی» بلخ دوباره فعال شد

۸ صبح، کابل: وزارت مالیه اعلام کرد که شرکت دولتی «پنبه‌دانه و روغن نباتی» ولایت بلخ دوباره به فعالیت آغاز کرده است. طبق اعلام وزارت مالیه، شرکت دولتی روغن نباتی بلخ دارای ظرفیت تولید هشت تن روغن در ۲۴ ساعت می‌باشد. این وزارت گفته است در صورتی که تقاضای بازار بلند برود و مواد خام کافی موجود باشد، ظرفیت تولید این شرکت به ۱۰۰ الی ۱۵۰ تن در یک شبانه‌روز افزایش پیدا می‌کند. عبدالهادی ارغندبوال، سرپرست وزارت مالیه، هنگام افتتاح این شرکت گفته است که وزارت مالیه برنامه‌های عملی را برای فعال‌سازی تمامی تصدی‌ها و شرکت‌های دولتی روی دست دارد. به گفته او، در آینده نزدیک فعالیت اساسی و مجدد شرکت «اسپین‌زر» ولایت کندز با ظرفیت تولید ۱۰ تن روغن نباتی در یک شبانه‌روز گذشته و کارخانه نساجی گلپهار با ظرفیت دوخت ۵۰۰ هزار جوهره لباس در یک سال، آغاز می‌شود.

یادگار خواجه شادمانوف، سفیر اوزبیکستان نیز در مراسم بازگشایی فعالیت شرکت پنبه‌دانه و روغن نباتی بلخ با اوزبیکستان امضا شده بود. طبق این تفاهم‌نامه، اوزبیکستان اسناد فنی و ماشین‌آلات تولید روغن نباتی را برای تصدی «جن و پرس» بلخ فراهم کرده است.



خلیل‌زاد:

داعش مخالف صلح بین دولت و طالبان است

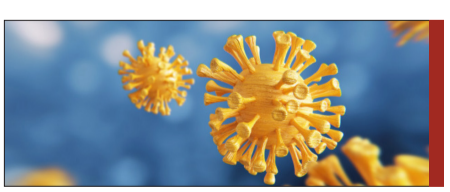


۸ صبح، کابل: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان اعلام کرد که بررسی‌های حکومت ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که حمله‌های مرگبار بر شاخه‌های نسایی - ولادی دشت برچی کابل و مراسم خاکسپاری در ننگرهار را شاخه‌ی خراسان گروه داعشی اجرا کرده است. نماینده ویژه آمریکا تأکید کرده است که گروه داعش مخالف توافق‌نامه‌ی صلح بین دولت و طالبان است و تلاش می‌کند تا همانند عراق و سوریه جنگ فرقه‌ای را در افغانستان دامن بزند. خلیل‌زاد روز جمعه، بیست‌وششم ثور در یک رشته تویییتی نوشت: «به عوض افتادن در دام داعش و به تاخیر انداختن یا ایجاد موانع برای صلح، افغان‌ها باید با هم یک‌جا شوند تا این تهدید را شکست بدهند و فرصت تاریخی صلح را دنبال کنند. بهانه جویی‌ها بیش‌تر جا ندارد. افغان‌ها، و جهان، سزاوار بهترینند.» زلمی خلیل‌زاد گفته است که داعش تمایل شدید به اجرای چنین «حملات» شنیع غیرنظامیان را نشان داده است. او افزود که گروه داعش تهدیدی جدی برای افغان‌ها و برای جهان است. مهاجمان مسلح روز سه‌شنبه،

شفاخانه‌ی ۱۰۰ بستر بیماران کووید - ۱۹ در ولایت نیمروز به بهره‌برداری سپرده شد

۸ صبح، کابل: شفاخانه‌ی ۱۰۰ بستر و درمان بیماران کووید - ۱۹ در ولایت نیمروز به بهره‌برداری سپرده شد. این شفاخانه در مدت ۲۸ روز از سوی شرکت انکشاف ملی ساخته شده است. وزارت صحت عامه روز جمعه، بیست‌وششم ثور، با اعلام این خبر گفته است که این شفاخانه با وسایل طبی مجهز شده و به تجرید و درمان بیماران کووید - ۱۹ اختصاص یافته است. طبق اعلام این وزارت، این مرکز تجرید و درمان بیماران کووید - ۱۹ با ظرفیت ۱۰۰ بستر که دارای اتاق‌های مجهز ICU (واحد مراقبت ویژه)، دستگاه تنفس مصنوعی و سایر تجهیزات مورد نیاز می‌باشد، در ولایت نیمروز به فعالیت آغاز کرده است. وزارت صحت عامه گفته است که در امر مبارزه با ویروس کرونا متعهد است و تلاش می‌کند تا با ساخت شفاخانه‌های مشابه زمینه دست‌رسی مردم را به خدمات بهداشتی ویژه برای تجرید و درمان بیماران کووید - ۱۹ فراهم کند. این شفاخانه در ساحه سیاه چشمان در شمال‌غرب شهر زرنج، مرکز ولایت نیمروز در مساحت پنج جریب زمین ساخته شده است. این شفاخانه در نیمروز در حالی به بهره‌برداری سپرده شده است که شمار بیماران کووید - ۱۹ در این ولایت به ۶۳ نفر رسیده است. تاکنون یک بیمار کووید - ۱۹ در نیمروز جان باخته و ۲۰ بیمار دیگر نیز صحت‌یاب شده‌اند. شمار مجموعی بیماران کووید - ۱۹ در سطح کشور به شش هزار و ۵۳ تن رسیده است. تاکنون ۱۵۳ نفر از بیماران کووید - ۱۹ در کشور جان باخته و ۷۴۵ نفر دیگر صحت‌یاب شده‌اند.

کرونا آموزه‌های مدرنیته را به چالش کشید



مدرنیته به وعده‌هایش وفا نکرد. مدرنیته وعده داده بود که عدالت را تامین کند، صلح بیاورد، رفاه اقتصادی را تامین کند و جهان را به سمت خوش‌بختی بکشاند، اما برعکس باعث شد ثروت جهان به جیب چند آدم محدود متراکم شود، جنگ پایدار ثبات جهان را همیشه...



طالبان بسترسازی خشونت را کنار بگذارند

طالبان حملات اخیر در کابل و ننگرهار را کار گروه خود نمی‌دانند. واقعیت این رویدادها با بررسی‌هایی که صورت بگیرد، مشخص خواهد شد؛ اما واقعیت این است که این گروه به دلیل مساعد ساختن بستر خشونت و مانور گروه‌های هراس‌افگنی مانند داعش، مسوول است. اخیراً حملات مخالفان دولت افغانستان بالای مراکز نظامی و غیرنظامی در مراکز شهرها افزایش یافته است. از میان حملات خونین هفته‌ی گذشته در کابل، لغمان و ننگرهار، مسوولیت یک رویداد را طالبان بر عهده گرفت، مسوولیت یک رویداد را داعش پذیرفت و مسوولیت حمله تروریستی به شفاخانه‌ی نسایی - ولادی در غرب کابل را هیچ گروهی بر عهده نگرفت. دولت طالبان را مسوول این اتفاقات می‌داند، طالبان خواستار بررسی بی‌طرفانه رویدادهای کابل و ننگرهار هستند و داعش در این میان هیچ ابراز نظر تازه‌ای نداشته است. در این میان ایالات متحده معتقد است که داعش چون طرف‌دار صلح حکومت و طالبان نیست، حملات خود را افزایش داده است.

مردم باید واقعیت این رویدادها را بدانند؛ آن‌ها باید به این نتیجه برسند که آیا امریکا در پی قباحت‌زدایی از طالبان است یا حکومت در صدد امتیازگیری بیش‌تر؟ اگر واقعیت رویدادهای ننگرهار و کابل مشخص شود و داعش مسوول اصلی این حملات قلمداد شود، مشخص است که خطر بالقوه‌ای به اسم داعش، افغانستان پس از صلح را هم به آشکارا تهدید می‌کند. عامل رشد داعش، خشونت‌های حکومت و طالبان است. وقتی جنگ با قوت خود ادامه داشته باشد، زمینه‌ساز رشد گروه‌های دیگر می‌شود.

واقعیت این است که سه سناریوی اصلی و واضح وجود دارد: سناریوی اول این‌که، ممکن است حمله کار گروه طالبان باشد. اما ایالات متحده ممکن است از این‌که در معرض انتقادات به خاطر امضای توافق با طالبان قرار نگیرد، در صدد قباحت‌زدایی از این گروه برآمده است. برای امریکا حالا کشاندن طالبان به عنوان متحد در مبارزه با گروه‌هایی مثل داعش و القاعده اولویت دارد. ولو حملات اخیر، کار گروه طالبان باشد، امریکا نمی‌خواهد چنین اتهامی متوجه این گروه شود؛ چون به وجهه بین‌المللی آن را به شدت زیان می‌رساند. ترمپ اصرار بر این دارد که توافق صلح با طالبان درست بوده و باید از آن حمایت صورت بگیرد. او اصرار بر خروج نیروهایش از افغانستان دارد و از بین رفتن دست‌آورد‌های آن کشور در افغانستان برایش بسیار خطرناک است.

سناریوی دوم این است که ممکن است مسوول اصلی این رویدادها واقعا داعش باشد، اما رییس جمهور غنی که در گفت‌وگوهای صلح خودش را بازنده احساس می‌کند، طالبان را می‌خواهد تحت فشار قرار دهد. چون طالبان آن‌گونه که او انتظار داشت، ارگ را طرف مقابل گفت‌وگوهای صلح ندانستند، به همین دلیل غنی می‌خواهد جنگ را تا زمانی ادامه دهد که امریکا و طالبان او را طرف اصلی گفت‌وگوهای صلح بدانند. احتمال دارد که این حملات کار گروه داعش باشد و نهادهای استخباراتی حکومت عاملان این رویدادها را بشناسند، اما حکومت برای اعمال فشار بیش‌تر بر طالبان، این دو رویداد را به طالبان نسبت دهد.

سناریوی سوم این است که داعش در افغانستان قدرت بیش‌تری یافته و به حمایت‌های گسترده‌تری از جانب برخی کشورها دست یافته است. احتمال دارد که در پی بازداشت رهبر جنوب آسیا و شرق دور گروه داعش در افغانستان، این گروه حملات خود را در افغانستان افزایش داده است. اگر سناریوی سوم درست باشد، حکومت افغانستان مجبور است به افکار عمومی درباره ادعای برچیده شدن گلیم داعش از شرق کشور پاسخ بدهد. رییس جمهور غنی پیش از این ختم داعش در مناطق شرق کشور که پایگاه‌های اصلی داعش بود را اعلام کرده بود. احتمال این‌که حکومت نمی‌خواهد به راحتی بازگشت دوباره داعش و خطرات آن را ببیند، نیز بخشی از استراتژی حکومت می‌تواند باشد.

به هر حال، آن‌چه واضح است این است که افراد ملکی زیادی در این دو رویداد جان باختند. طالبان تا اکنون هیچ‌گاه این‌همه تقلا برای برانته خود از یک رویداد نکرده بودند. طالبان این‌بار خواستار این شده‌اند که دو حادثه ننگرهار و کابل توسط تیم‌های بی‌طرف بررسی شود تا مشخص گردد که آن‌ها پشت این حملات نبوده‌اند. طالبان برای نخستین‌بار از الفاظ تازه‌ای برای تقبیح رویدادی استفاده کرده‌اند که خود را از آن میرا می‌دانند. سخنگوی این گروه گفته است که باید رویدادهای کابل و ننگرهار به درستی بررسی شود تا از «چهره‌های سیاه عاملان این جنایات» پرده برداشته شود. طالبان حکومت را عامل این رویدادها می‌دانند و معتقد اند که این سناریو برای بدنامی این گروه برنامه‌ریزی شده است.

از سویی نیز طالبان مسوولیت حمله بر تاسیسات ارتش در شهر گردیز را بر عهده گرفتند. در آن رویداد ۵ غیرنظامی کشته شدند. کشتن غیرنظامیان، کار هر گروهی که باشد، جنایت است. گروهی که عملاً در کشتار غیرنظامیان دست دارد، نباید برای تبرئه شدن از یک رویداد مشابه، تقلا کند. طالبان باید بدانند که اگر داعش عامل اصلی این حملات باشد، نیز مسوولیت بسترسازی خشونت و رشد این گروه‌ها متوجه آنان است.

هم‌آغوشی مرگ و امید؛ مادری که هرگز کودکش را به آغوش نکشید!



◆ قربان دانش

ازش گرفتند، احساس خوب نمی‌داشت و هرگز به مادر شدن فکر نمی‌کرد. مادر شدن در سرزمین او، فکر می‌کرد، فکر این‌که فرزندش به دنیا آید چگونه بزرگ شود. چگونه بزرگش کنند، چگونه مراقبش باشند و مبادا بزرگ شود و هیچ‌گاه به پارک‌بازی و چمن‌بازی نتواند برود. مبادا، شیرینی کودکی‌هایش به‌سان کودکی‌های مادرش که طالبان با آتش و دود و باروت ازش گرفته بود، حرام شود. بارها و بارها با خودش کلنجار می‌رفت. نمی‌توانست خودش را متقاعد کند. مادر بشود. اما، مادر شده بود، مادر! می‌رفت که بهترین مادر بشود.

سارا، نقاشی و رسامی را بیش‌تر دوست داشت. جعفر، یک دسته از قلم‌های رنگه و چند تخته کاغذ آورده بود. سارا، که معمولاً خانه می‌ماند، حوصله‌اش که سر می‌رفت، می‌رفت سراغ نقاشی. نقاشی به او آرامش می‌داد. ذهنش آسوده می‌شد و خنده دایم روی لبانش جاری بود. در نقاشی‌هایش بیش‌تر خرگوش و ماهی و پلنگ و پرنده می‌کشید. نقاشی‌های خلاقانه‌ای که برای پرورش ذهن کودکان بی‌نظیر است. کم‌تر می‌نوشت. تنها، شب‌ها دو جمله‌ای روی کاغذ خط‌خطی می‌کرد. برای خودش و یا برای فرزندش می‌نوشت. مثل شیبی که نوشته بود: «سیمایم! به ما گفته بودند صلح می‌آوریم و روی کاغذ با طالبان صلح کرده بودند. به ما دروغ گفته بودند. ولی امروز، بازهم انفجار شد. مادران زیادی کشته شدند و کودکان بی‌شماری، برسرپرست ماندند. می‌دانم، هنوز برای آمدن این‌جا، جای امنی نیست. اما، تو زنده‌گی منی، جان منی و من دوست دارم.»

روزها، هفته‌ها و ماه‌ها گذشته بود. سارا، روزهای ماه نهم بارداری‌اش را تجربه می‌کرد. دوره سخت و مهم بارداری را، آفت کرونا جهانیان و مردم را زمین‌گیر کرده بود. کاروبار را به تعطیلی کشانده بود. جعفر که در اداره‌ی یک شرکت خصوصی در کابل کار می‌کرد، نزدیک چهل روز می‌شد که دروازه‌های تمام کارگاه‌ها و دفاتر و شرکت‌ها بسته شده بودند و او روزها در خانه می‌ماند. با سارا، در کارهای خانه کمک می‌کرد و با قصه‌ها، حال دلش را بهتر می‌کرد. هردو، برای آینده فرزندش فکری می‌کردند و باهم شریک می‌ساختند. روی نام‌گذاری کودک و تزیین اتاقش باهم اختلاف نظر داشتند و ساعت‌ها بحث می‌کردند. سارا می‌گفت: «اسم دخترمان را سیمایم باشه؟ سیمایم، قشنگ نیست؟!» جعفر زیر لب، لبخند می‌زد و می‌گفت: «قشنگه. من دوست دارم، سیمایم باشه.» جور نمی‌آمدند. روزها این‌گونه می‌گذشت. روزی که سارا، احساس ناراحتی کرد، می‌دانست روزهای نهایی بارداری است. تخته‌ی کاغذ را پایین می‌آورد و شروع به نقاشی می‌کند. خرگوشی می‌کشد که

هراسان و چشم به دره‌ای دارد. دره سرسبز و پر از جنگل‌های با شاخ‌وپروگ‌های بلند. چهره کودکی را می‌کشد، ایستاده است. هنوز نقاشی تمام نشده است که حالش اندکی بدتر و دردش شدیدتر می‌شود. نقاشی را نیمه‌رها می‌کند و در حالی که از درد به خودش می‌پیچد، می‌گوید: «تام، نامش، سیمایم، او سیمایم است.» با انگشتش به نقاشی اشاره می‌کند و آوردنش به بیمارستان. سارا را به بیمارستان در غرب کابل، منتقل کردند. سه شبانه‌روز بستری شد. دکتران می‌گفتند هنوز وقت زایمان نرسیده است. سارا رنج‌های بی‌شمار و دردهای فراوان را به آغوش کشیده و به روی شانه‌هایش حمل کرده بود؛ اما هیچ‌گاهی از پای نایستاده بود. سرگذشت زنده‌گی در میان یأس و خشم و خشونت و سرکوب، از او دختری سخت‌سر و قوی ساخته بود. حالا که امید مادری و مادر شدن نیز در وجودش جریان پیدا کرده بود، با تمام وجود سعی می‌کرد قوی بماند و کودکش را سالم به دنیا آورد و مهر مادری را نثارش کند و سیمایش را به آغوش کشد.

کابل در دوره قرنطین اجباری ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا را پشت سر می‌گذاشت. شهر خلوت بود و شهروندان اکثراً در خانه‌هایشان به سر می‌بردند. طالبان و امریکا برای ختم جنگ در افغانستان توافق و معامله کرده بودند. زندانیان طالب از بند حکومت رها می‌شدند. طالبان تعهد کرده بودند که تا پایان روند رهایی زندانیان دو طرف، به کاهش خشونت متوسل می‌شوند. پیش از ظهر چهارمین روز بستری شدن سارا در یکی از شفاخانه‌ها در غرب کابل، صدای انفجار وحشت‌ناک قلب کابل را به لرزه درآورد. سکوت کرونایی را شکست. مهاجمان مسلح به آن‌جا حمله کرده بودند. تروریست‌ها به ساختمان داخل شده بودند و زنان در حال کارمندان و عیادت‌کننده‌گان را با خون‌سردی تمام به رگ‌بار بستند. تروریست‌ها شفاخانه را به خاک و خون کشیدند. ده‌ها نفر زخم برداشتند و کشته شدند. سارا، مادری که درد و امید را به آغوش کشید و حمل کرد تا کودکش را به آغوش کشد، به این رویا و امید دست نیافت و با تمام آرزوهایش زیر شلیک گلوله‌های مهاجمان جان داد. نه تنها سارا، بلکه مادران زیادی کودکان‌شان را از دست دادند و کودکانی که زنده ماندند و هرگز مادرشان را ندیدند. سیمایی که هرگز مادرش را ندید و سارایی که هرگز کودکش را به آغوش نکشید، نقاشی‌اش که ناتمام ماند و رویای مادری‌اش هیچ‌گاه به واقعیت بدل نشد. زنده‌گی مادران و کودکان بسیاری با چنین سرنوشت مشابهی تباہ و ویران شدند.

رجزخوانی حکومت و طالبان؛ جهانیان هنوز صلح را راه حل مناقشه می دانند

حمله بر شفاخانه ۱۰۰ بستر داکتران بدون مرز در کابل و رویداد انتحاری در ولسوالی شیوه ننگرهار واکنش‌های تند حکومت و طالبان را در پی داشته و سبب شده است که روند صلح دوباره در حالتی مبهم قرار بگیرد. اکنون برخی از کشورهای سازمان‌های بین‌المللی به ادامه روند صلح در افغانستان ابراز خوش‌بینی کرده و خواهان ادامه این روند شده‌اند. زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان بامداد جمعه، بیست‌وششم ثور با نشر رشته توییت‌های گروه داعش را مقصر حملات اخیر در کشور خوانده و بر ادامه روند صلح میان حکومت و طالبان تاکید کرده است.



سید حسین

وقوع حملات اخیر در کابل و ننگرهار که به افزایش تنش‌ها میان حکومت و گروه طالبان منجر شد، اما شماری از کشورها و سازمان‌های خارجی به ادامه روند صلح خوش‌بین‌اند. هر چند معاون سفیر آمریکا پیش‌تر گروه طالبان را به فراهم‌سازی حملات کابل و ننگرهار متهم کرده بود، اما فرستاده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان گفته است که بر اساس یافته‌های آن کشور، داعش در پس این حملات بوده و دوطرف باید با دنبال کردن روند صلح، این تهدیدها را از بین ببرند. ناتو نیز تصریح کرده که با وجود افزایش خشونت‌ها در کشور، خوش‌بینی‌ها پیرامون مذاکرات بین‌الافغانی هنوز باقی مانده است. هر چند تا کنون هیچ گروهی، از جمله داعش، مسوولیت حمله اخیر کابل را به دوش نگرفته، اما حکومت طالبان را مقصر این حملات و مانع روند صلح دانسته و به نیروهای امنیتی امر تعرض را صادر کرده است. طالبان نیز با صدور اعلامیه‌ای علاوه بر رد مسوولیت این حملات، گفته‌اند که حملات‌شان را تشدید می‌بخشند و تصریح کرده‌اند که اگر به عنوان مانع فرا راه صلح، باید پای تبعات تصمیم‌های مبنی بر ادامه جنگ بنشینند.

حمله بر شفاخانه ۱۰۰ بستر داکتران بدون مرز در کابل و رویداد انتحاری در ولسوالی شیوه ننگرهار واکنش‌های تند حکومت و طالبان را در پی داشته و سبب شده است که روند صلح دوباره در حالتی مبهم قرار بگیرد. اکنون برخی از کشورهای سازمان‌های بین‌المللی به ادامه روند صلح در افغانستان ابراز خوش‌بینی کرده و خواهان ادامه این روند شده‌اند. زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان بامداد جمعه، بیست‌وششم ثور با نشر رشته توییت‌های گروه داعش را مقصر حملات اخیر در کشور خوانده و بر ادامه روند صلح میان حکومت و طالبان تاکید کرده است. وی تصریح کرده که بر اساس بررسی‌ها حکومت آمریکا، حمله‌های مرگبار بر شفاخانه نسایی-ولادی داکتران بدون مرز در دست برچی کابل و مراسم خاک‌سپاری در شیوه ننگرهار را شاخه خراسان

از خون زنان، نوزادان و سایر افراد معصوم در «آخرین قتل عام» پاک کرد. وی پیش‌تر نیز با یک توییت با لحن تند گفته بود: «طالبان تروریست، متحدان کنونی و سابق آنان یا دوقلوهای عقیدتی‌شان به یک بیمارستان نسایی-ولادی حمله کرده‌اند که مادران، نوزادان و تازه متولد و غیرنظامیان بی‌گناه را کشته‌اند. این رفتار تغییر یافته‌ی طالبان پس از گذراندن دوره‌هایی در مورد رفتار انسانی در دوحه است.»

طالبان نیز با لحن تند به واکنش‌های حکومت پاسخ داده‌اند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه در واکنش به دستور حکومت مبنی بر آغاز حملات تعرضی بر طالبان، گفته که حکومت مانع صلح است باید پای تبعات تصمیمی که می‌گیرد، بنشینند. چرا که به گفته وی، این گروه پس از این حملات‌شان را بر پایگاه‌های نیروهای امنیتی در شهرها تشدید می‌بخشند. این در حالی بود که طالبان روز پنج‌شنبه، بیست‌وپنجم ثور بر یک قرارگاه امنیتی در گردیز، مرکز پکتیا حمله کردند که در نتیجه آن، پنج غیرنظامی کشته شدند و ۲۰ تن به شمول پنج نظامی افغان زخم برداشتند. طالبان اما ادعا کرده‌اند که در این حمله تلفاتی بر نیروهای افغان وارد کرده‌اند. این گروه روز جمعه، بیست‌وششم ثور با نشر اعلامیه و تصاویر جنگ‌جویان‌شان، دوباره بر تشدید حملات‌شان تأکید کرده و گفته‌اند که مراکز فرماندهی «حملات تعرضی» نیروهای دولتی، پس از این از جمله جاهایی خواهد بود که مصونیت ندارد.

جنگ میان دو طرف در حالی شدت می‌یابد که حکومت روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم ثور روند رهایی زندانیان طالبان را متوقف کرد. شورای امنیت ملی پس از رهایی ۱۰۰۰ زندانی این گروه، گفته است که طالبان تناسب در رهایی زندانیان را مراعات نکرده‌اند و روند رهایی زندانیان این گروه تا زمان رهایی زندانیان حکومتی از بند طالبان به حالت تعلیق در آمده است. طالبان اما ادعا کرده‌اند که هنوز روند رهایی زندانیان نیروهای امنیتی را ادامه داده‌اند. دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر گفته که این گروه تاکنون ۲۶۱ از نیروهای امنیتی را از زندان‌های‌شان آزاد کرده‌اند.

حکومت اما تصریح کرده که برای برقراری «صلح پایدار و باعزت» متعهد است و طالبان را مانع اصلی فرا راه این روند می‌داند. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری روز جمعه، بیست‌وششم ثور با نشر رشته توییت‌هایی گفته که دولت از روند صلح عقب‌نشینی نکرده است. وی طالبان را مانع اصلی روند صلح و تداوم خشونت‌ها دانسته و گفته است که این گروه بارها خواست مردم و جامعه‌ی جهانی را برای تأمین آتش‌بس و آغاز گفت‌وگوهای صلح با دولت را رد کرده است. آقای صدیقی در ادامه تصریح کرده است که نیت حکومت صلح است و هیچ فردی نباید به این نیت شک کند. با این حال، وی گفته است که گروه طالبان جنگ را انتخاب کرده‌اند و نیروهای امنیتی نیز برای حفظ جان و مال مردم از هیچ‌گونه تلاش دریغ نخواهند کرد.

پیش از این، محمدشرف غنی اعلام کرد که طالبان مسوول حمله‌های اخیر کابل و ننگرهار اند و به نیروهای امنیتی دستور داد که حالت تعرضی اختیار کنند. وی روز پنج‌شنبه، بیست‌وپنجم ثور در دیدار از قول اردوی عملیات‌های خاص کماندو خطاب به نیروهای امنیتی گفت، نیاز است که شمشیرشان را از غلاف بکشند و قدرت‌شان را نشان بدهند. آقای غنی با الفاظ تندی گفت که نیاز است دشمنان افغانستان بدانند که «مشت قوای خاص و کماندو و نیروهای دفاعی و امنیتی کشور چگونه دهن آنان را می‌شکنند». وی تصریح کرده، هدف او از دستور تعرض آن است که گروه طالبان بدانند که باید با دولت در میدان سیاست بنشینند و صلح عادلانه و پایدار را بپذیرند.

افراد نزدیک به ارگ ریاست جمهوری نیز با نشر توییت‌های بر موقف حکومت در راستای مبارزه با طالبان تأکید کرده‌اند. امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری روز جمعه، بیست‌وششم ثور با نشر یک توییت گفته است که حکومت ابوعمر خراسانی، فرمانده «شریر» گروه داعش برای جنوب آسیا و هم‌چنان اسلم فاروق، فرمانده «شریر» این گروه برای خراسان را در اختیار دارد که متصل هم‌اند. وی در ادامه گفته است که نه دست طالبان و نه آگاهی‌های لکه‌دار آنان را نمی‌توان

گروه داعش اجرا کرده است. در توییت فرستاده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان آمده که گروه داعش مخالف توافق صلح میان حکومت و طالبان است و می‌کوشد که هم‌مانند عراق و سوریه، جنگ‌های فرقه‌ای را در افغانستان نیز دامن بزند. وی در ادامه از طرف‌های درگیر در جنگ افغانستان خواسته است که به جای افتادن در دام گروه داعش و به تأخیر انداختن یا ایجاد موانع برای روند صلح، با هم یک‌جا شده و با شکست این تهدیدها، فرصت تاریخی صلح را دنبال کنند. زلمی خلیل‌زاد گفته است که جایی برای بهانه‌جویی‌های بیشتر دو طرف نیست و افغان‌ها و جهان سزاوار وضعیت بهتر اند. این در حالی است که کرن دیکر، معاون سفیر آمریکا در کابل روز چهارشنبه، ۲۴ ثور در گفت‌وگویی با سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری، گفته است که هر چند گروه طالبان مسوولیت حمله کابل و ننگرهار را برعهده نگرفته، اما برای هم‌چنین خشونت و حملات، زمینه‌سازی کرده و در این راستا مسوول است.

هم‌زمان با این، ناتو نیز با تقبیح حملات اخیر در کشور، به ادامه گفت‌وگوهای بین حکومت و طالبان ابراز خوش‌بینی کرده است. استورات پیچ، رییس کمیته نظامی ناتو در نشست ویدیویی با روسای دفاع کشورهای عضو این سازمان، حملات اخیر در کابل و ننگرهار را محکوم کرده است. وی در این نشست گفت که وضعیت امنیتی در افغانستان هنوز شکننده بوده، اما به گفته وی، خوش‌بینی‌ها در پیوند به مذاکرات بین‌الافغانی محسوس بوده و این یک راه حل برای افغانستان است. پیش‌تر، انتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد نیز با محکوم کردن حملات در افغانستان، تصریح کرده بود که این سازمان متعهد به پشتیبانی از روند صلح به رهبری افغانستان است که بتواند به مناقشه پایان دهد. پیش‌تر، زلمی خلیل‌زاد در سفر به هند، گفته بود که طرف‌دار مذاکره میان هند و طالبان است و تصریح کرده بود که مناسب است آن کشور با طالبان تعامل داشته باشد. یک منبع در حکومت هند اما گفته است که آن کشور دیدگاه‌های خودش را در مورد افغانستان دارد و روابط هند با شهروندان افغان بر اساس هدایت سیاست افغانستان باقی خواهد ماند.

کادر پزشکی در تخار:

معاش و تجهیزات نیست، اعتصاب می‌کنیم

صحنه وجود داشته است. سخنگوی والی تخار می‌گوید که اداره محلی بارها هیات‌های مختلفی برای رسیدگی به کم‌کاری‌های شرکت خصوصی قراردادکننده با وزارت صحت کشور و دفتر مرکزی شرکت خصوصی قراردادکننده، تشکیل داده، اما کم‌ترین نتیجه را در پی داشته است. وی تصریح می‌کند که اگر معاش کارمندان و امکانات پزشکی به طور کامل به دسترس کادر پزشکی مراکز صحنه ولایت تخار قرار نگیرد، احتمال دارد که رسیدگی به وضعیت صحنه مردم با کم‌کاری همراه شود.



سید حسن حسینی

می‌گوید که امتیازهای اضافه‌کاری‌ها داده نشده و حتا لوازم مورد نیاز برای امور پزشکی هم در دسترس کارمندان صحنه قرار ندارد. این کارمند صحنه هشدار می‌دهد که اگر وضع به همین منوال دوام یابد، تمام کادر پزشکی تخار دست به اعتصاب کاری می‌زنند.

حق با کادر پزشکی است

در همین حال دفتر والی تخار با قابل قبول خواندن اعتراض کادر پزشکی مراکز صحنه مرکز و ولسوالی‌های این ولایت، به این نظر است که آنان باید به حقوق خود دست یابند. جواد هجری، سخنگوی دفتر والی تخار، می‌گوید که بنا بر شواهد، کار خدمات‌رسانی و پرداخت معاش کارمندان مراکز صحنه که از طرف یک شرکت خصوصی انجام می‌شود، از ابتدا تا کنون با مشکل و وقفه به همراه بوده است. وی می‌گوید که در گذشته هم بارها شکایت‌های زیادی از فراهم نشدن تجهیزات پزشکی، مواد لازم برای انجام امور صحنه و پرداخت نشدن معاش کارمندان مراکز

هفته گذشته در ولایت تخار با موجی از نگرانی نسبت به کمبود خدمات صحنه به مردم، سپری شد. ده‌ها تن از کارمندان صحنه بیش از ۸۰ شفاخانه و مرکز صحنه، با تجمع اعتراضی مقابل دفتر

والی تخار، از مسوولان خواستند که در ریزنی با مسوولان مرکز کشور، مشکل پرداخت نشدن معاش‌های شش‌ماهه کارمندان صحنه این ولایت در میان گذاشته شود. کادر پزشکی این ولایت می‌گویند که طی شش ماه گذشته، علاوه بر پرداخت نشدن معاش‌های‌شان، حتا یک افغانی برای خرید مواد صحنه جهت مبارزه با کرونا در این ولایت به مصرف نرسیده است. در همین حال دفتر والی تخار می‌گوید که مشکل کارمندان صحنه با مرکز کشور بارها در میان گذاشته شده است. بر بنیاد گزارش دفتر والی تخار، شرکت خصوصی قراردادکننده و مسوول خدمات‌رسانی و پرداخت معاش به کادر پزشکی مراکز صحنه و شفاخانه‌های ولایت تخار، طی شش ماه گذشته کم‌کاری کرده است.

مبارزه با کم‌ترین امکانات

در گرماگر مبارزه دولت، مردم و کادر پزشکی کشور علیه کرونا، شکایت کادر پزشکی ۸۳ مرکز صحنه و شفاخانه ولایت تخار در شمال کشور اوج گرفته است. نبود تجهیزات پزشکی، پرداخت نشدن امتیازهای کاری و تعویق شش‌ماهه معاش کادر پزشکی در این ولایت سبب شد که هفته گذشته، کارمندان صحنه این ولایت با تجمع در مقابل دروازه والی تخار از وضعیت کنونی این ولایت اعتراض

جنگ روایت‌ها

طالبان با شاخصه‌های دنیای جدید، مدارا، همه‌پذیری، تردید و بی‌یقینی بیگانه‌اند. تفاوت طالبان با ما شهرنشینان، مکتب رفته‌ها و دانشگاه رفته‌ها در همین است. آنان در میان هزاران مکتب و مشرب زنده‌ی جهان فقط به ابرروایتی به نام اسلام، اعتقاد جزمی، قاطع و غیر قابل تغییر دارند. پیروزی کسانی که مسیر شک و تردید را می‌روند، در برابر کسانی که با تردید و بی‌یقینی بیگانه‌اند، دشوار است. مبارزه‌ی شکاکانه در برابر حرکت‌های از روی اعتقاد جزمی کم‌تر چانس پیروزی دارد.



حبیب حیدزاده

فرهنگی که ما در آن زنده‌گی می‌کنیم، فرهنگ دینی است. فرهنگ ایمان و یقین است. ویژه‌گی اصلی یا ذات اصلی این فرهنگ آن است که بدون پرسش و استدلال در برابر گوناگونی و کثرت قرار می‌گیرد. فرهنگ دینی با غیر از خودش مخالف و دشمن است. نشانه‌های اندیشیدن و پرسیدن آن است که ما را از زنده‌گی یک‌نواخت، تک‌مرجعی و تکراری بیرون می‌آورد. فرهنگ دینی ما مقابل این وضعیت است. طالب و روایت او پدیده‌ی تصادفی نیست. ساخته و پرداخته‌ی همین فرهنگ است. طالب و روایتش جزو فرهنگ ما بوده و است. تا زمانی که زمینه تاریخی پیدایش این فرهنگ را به درستی نشناسیم، تا زمانی که این فرهنگ لایروبی نشود، تا زمانی که در برابر آن و به اندازه قدرت آن، قطب مخالف تشکیل ندهیم، این فرهنگ همراه با خشونت‌هایش با ما خواهد بود. گذار از طالب و یا رسیدن به جامعه‌ی بدون طالب، بدون مرور انتقادی گذشته تاریخی‌مان، بدون به پرسش گرفتن بنیادین این فرهنگ و در نهایت عبور/انکار آن، ناممکن است.

طالبان با شاخصه‌های دنیای جدید، مدارا، همه‌پذیری، تردید و بی‌یقینی بیگانه‌اند. تفاوت طالبان با ما شهرنشینان، مکتب رفته‌ها و دانشگاه رفته‌ها در همین است. آنان در میان هزاران مکتب و مشرب زنده‌ی جهان فقط به ابرروایتی به نام اسلام، اعتقاد جزمی، قاطع و غیر قابل تغییر دارند. پیروزی کسانی که مسیر شک و تردید را می‌روند، در برابر کسانی که با تردید و بی‌یقینی بیگانه‌اند، دشوار است. مبارزه‌ی شکاکانه در برابر حرکت‌های از روی اعتقاد جزمی کم‌تر چانس پیروزی دارد.

وقتی حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد، بوش به طالبان هشدار داده بود که دیگر جای پنهان شدن ندارند. مدتی بعد از آن حادثه و هشدار بوش، ملا عمر پیامی منتشر کرد که در آن آمده بود: «خدا می‌گوید زمینی که خلق کرده‌ام بزرگ است، از اوامر اطاعت کنید و در هر جایی از زمین که می‌توانید زنده‌گی کنید. خدا وعده کرده است که آنانی را که در راه او می‌جنگند، حفاظت می‌کند. اما بوش اعلام کرده است که ما هیچ جایی برای پنهان شدن نداریم و هر جا که باشیم نابودمان می‌کند. حال ببینیم که وعده‌ی خدا برآورده می‌شود یا اخطار بوش. من باور دارم که وعده‌ی خدا برآورده می‌شود.» این پیام لبریز از ایمان و یقین خلل‌ناپذیر است. ملا عمر و پیروان او ایمان قاطع دارند که خدا از آنان در برابر نیروهای امریکایی محافظت خواهد کرد. آدم با داشتن چنین باور جزمی، از جنگ کم‌تر می‌ترسد و از کشتار مردم بی‌گناه کم‌تر می‌شرمد؛ زیرا خون‌ریزی، ویران‌گری و تجاوز را برای پیروزی و تحقق پیام پرودگار عالم می‌داند. سویتلانا الکسیویچ، نویسنده‌ی کتاب تابوت‌های رویین، می‌گوید: «چرا با کسی که از جنگ نمی‌ترسد بجنگی؟» او معتقد بود که مردم افغانستان از جنگ نمی‌ترسند و جنگ با این مردم کار بیهوده و عبث است. تمام جنگ‌های تاریخ در این کشور ره به جایی نبرده‌اند.

جنگ‌آوران بزرگ تاریخ تاکید کرده‌اند که «انگیزه در جنگ به اندازه‌ی جنگ افزار مهم است.» اگر بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان با پیش‌رفته‌ترین افزارها مجهز باشند، ولی انگیزه نداشته باشند، نمی‌توانند

جنگی را ببرند. در این میان، قوی‌ترین انگیزه، انگیزه‌ی دینی و ایدیولوژیک است؛ همان چیزی که طالب از آن لبریز است. پیروزی مردم افغانستان در بیرون راندن چند نوبت انگلیسی‌ها، روس‌ها و امریکایی‌ها، بدون انگیزه دینی ممکن نبود. اما این انگیزه هم‌چنان که بیگانه‌ها را راهی قبرستان کرده است، صد برابر آنان خودی را گردن زده و زیر خاک کرده است. انگیزه‌ی دینی بود که پای حدود بیش‌تر از بیست‌هزار مسلمان اهل ترکیه، پاکستان، بنگلهدیش، اندونزی، فلپین و... را در جنگ افغانستان علیه شوروی به این سرزمین کشاند.

دین در بسیج مردم خاور میانه علیه دشمنان بیرونی نقش اساسی داشته و دارد. روایت است که صدام حسین برای راه‌اندازی یک حرکت ضد امریکایی به اسلام روی آورد (او در اوایل سوسیالیست بود) او کلمه «الله اکبر» را با خون خود روی پرچم عراق نوشت. تا جایی که بعد از مرگش، تعدادی از افسران او همکار البغدادی شدند. برجسته‌ترین دست‌یاران ابوبکر البغدادی دو نفر از افسران کندک‌های اردوی عراق بودند. منشی البغدادی در اداره‌ی دولت داعش نیز «بومسلم الترمکمانی» بوده که به نام «فضل‌احمد عبدالله الهیانی» معروف است. این شخص در بخش استخباراتی نظامی ارتش صدام حسین رتبه جگرنی داشته است. معاون البغدادی هم ابوعلی الانباری در ارتش صدام حسین درجه سرلشکری داشته (نگاه شود به کتاب «دولت اسلامی» نوشته‌ی عبدالباری عطاوان).

ناتو و دولت افغانستان نتوانستند طالب را در میدان نبرد شکست دهند. دولت افغانستان که رهبری‌اش به دست نیروهای غرق در فساد بود، به روایت‌های خود باور نداشت. ارتش افغانستان اصلاً از روایت حکومت‌های افغانستان سر در نمی‌آورد. این ارتش اغلب با فرماندهان فاسد مواجه بود. تعداد زیادی از نیروهای ارتش به منظور دریافت معاش به ارتش پیوسته‌اند. اما اکثریت جنگنده‌های طالبان برای دفاع از اسلام به طالبان پیوسته‌اند. اکثریت اعضای این گروه آماده‌اند که بدون دریافت پول برای اسلام، عزت و ننگ دینی و قومی و قبیله‌ای‌شان برای سال‌ها بجنگند. طالب به راه و آرمان خود صادق است و نشان داده است که برای آرمانش از خون خود مایه می‌گذارد. این گروه بارها برای حکومت افغانستان و ناتو از تزلزل‌ناپذیری اراده‌اش برای دوام جنگ پیام فرستاده است. گفته‌اند و ثابت کرده‌اند که حتی از بدن‌شان به جای بمب علیه امریکایی‌ها و «دولت دست‌نشانده‌شان در کابل» استفاده خواهند کرد. ایمان به هدف، شرط پیروزی است. طالب این را داشت و دارد. در جنگ نظام پس از طالبان، طالبان ایمان دینی داشتند و مردم افغانستان حکومت و دولت‌های فاسد و دروغ‌گو را. طالبان با ایمان و یقین مسلح بودند و ما با حکومت و دولت‌های دروغ‌گو و غرق در رشوه و فساد. آنان با ایمان و فداکاری برای مراد دینی و قبیله‌ای‌شان تمام هستی سیاسی و اقتصادی ما را به چالش کشیدند.

توماس جانسون، استاد دانشگاه نیروی دریای ایالات متحده، اخیراً کتابی به نام «روایت‌های طالبان: نقش اطلاع‌رسانی و فرآورده‌های تبلیغی در جنگ افغانستان (۱۳۹۸)» نوشته است. او

جنگ افغانستان را جنگ روایت‌ها می‌داند. از نظر جانسون طالبان در روایت‌سازی نسبت به ناتو، حکومت افغانستان و ارتش ایالات متحده امریکا موفق‌تر عمل کرده‌اند. شناخت طالبان از مردم افغانستان بیش‌تر نزدیک به واقعیت بوده و برای همین پیام‌های‌شان بیش‌تر مورد پسند قرار گرفته است. طالبان در کمپین‌های تبلیغاتی‌شان مردم را تشویق می‌کنند که «برای دین، عزت فردی، افتخار خانواده‌گی، شرف قومی و زنده نگهداشتن یاد مبارزات اجدادشان با خارجی‌های نامسلمان قربانی بدهند و با نیروهای بین‌المللی بجنگند.» اما ناتو و ایالات متحده‌ی امریکا همراه با هم‌پیمانان افغانستانی‌شان در روستاهای کشور دموکراسی، آزادی بیان، جامعه مدنی و دیگر مولفه‌های دموکراسی را تبلیغ می‌کنند که اکثریت مطلق مردم افغانستان هم‌چنان این ارزش‌ها را درست درک نمی‌کنند.

بیش‌تر مردم افغانستان هنوز نمی‌دانند شکل جغرافیایی کشورشان چگونه است. اکثریت مردم افغانستان از واژگون شدن برج‌های امریکا در حادثه ۱۱ سپتامبر اطلاع نداشتند. در یک نظرسنجی که در سال ۲۰۱۱ در افغانستان انجام شده، ۹۲ درصد پاسخ‌دهنده‌گان گفته بودند آنان از حادثه‌ای که خارجی‌ها به آن ۱۱ سپتامبر می‌گویند، اطلاعی ندارند. طراحان این نظرسنجی بدین اعتقاد بودند که ۲۵ میلیون نفر از مردم افغانستان نمی‌دانستند که ایالات متحده امریکا در پاسخ به حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر به افغانستان آمده است. نمی‌دانستند که ایالات متحده با قطع‌نامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد وارد افغانستان شده است تا دشمن مشترک تمام کشورها را که القاعده/تروریزم است، نابود کند. مردم افغانستان فکر می‌کردند/می‌کنند که امریکا شوروی دیگر است که بدون اجازه و بی‌خبر از همه وارد افغانستان شده است تا دین ما اسلام را نابود کند و به جای آن مسیحیت را ترویج کند. برای چنین مردمی بی‌مقدمه دم از مفاهیم و مصطلحات ناآشنا زدن، کار بیهوده است.

طالبان با فرهنگ و اعتقادات روستایی‌های افغانستان آشنا بودند. پیام‌شان را مطابق فرهنگ و اعتقادات آنان ترتیب و تکثیر می‌کردند/می‌کنند. ترانه‌ی طالبان با این محتوا: «پیروز می‌شویم، دیر یا زود شکست می‌دهیم کافران راه، امروز باشد یا فردا، حتما پیروز می‌شویم، برادرم، صبور باش، خود را قوی نگهدار، فلسطین، عراق، آریانا، همه میدان جنگ ما با کافران است، جنگ دشوار است و نبرد نابرابر، اما به یاری خدا پیروز می‌شویم، آن‌گونه که موسی به کمک خدا فرعون را شکست داد، برادرم پیروز می‌شویم.» قلب مردم روستا را هدف قرار می‌دهد. این پیام برای روستایی‌های افغانستان قابل فهم است و روح و خوی دینی و قومی آنان چنین چیزی را می‌طلبد. اما برای آنان گفتن از مزایای آزادی‌های فردی جذابیت ندارد.

خلق روایت طالبان مطابق اعتقادات و فرهنگ مردم افغانستان انجام شده است. طالبان روی رگ دینی، پشتون‌والی و گذشته‌ی مشترک همه‌ی اقوام افغانستان که از آن به نام دلاوری و شجاعت در برابر بیگانه‌گان یاد می‌کنند، انگشت می‌گذارند. طالبان به روستایی‌های افغانستان می‌گویند: «زنان ما می‌جنگند و می‌خواهند سرشان را فدای

اسلام کنند، هیچ خدایی جز الله نیست، مسلمانان به این امر معترف‌اند و رضای او را می‌جویند، ما برای کسب رضای او می‌جنگیم، در جنگ احد، پیامبر محبوب ما زخم برداشت، ما هم آماده‌ی قربانی هستیم، این جنگ برای رضای خدا است، برای رضای خدا می‌جنگیم.» جذابیت، گیرایی و محتوای این ترانه برای مردم بی‌سواد افغانستان یا حداقل برای مردم جنوب که طالبان اغلب از آن‌جا سر‌بازگیری می‌کنند، مقبول‌تر و قابل پسندتر از تبلیغاتی است که حکومت‌کننده‌گان کابل در مورد دموکراسی، آزادی بیان و دیگر ارزش‌ها بیان می‌کنند.

طالبان در ترانه‌ها، شب‌نامه‌ها، اعلامیه‌ها و پیام‌های‌شان برای مردم از مفاهیم و مصطلحاتی چون «صلیبی‌ها»، «شهید»، «بهشت»، «تنگ»، «کفار اشغال‌گر»، «جهاد» و... سخن می‌گویند که خود به این‌ها از ته دل ایمان دارند و سرسختانه برایش می‌جنگند. مردم را هم با همین اصطلاحات به جنگ علیه بیگانه‌گان فرا می‌خوانند. برای مردم می‌گویند: «...خدایا تمام ملت‌های کافر دنیا مخالف طالبان‌اند، تو آنان را پناه بده، خدایا طالبان در راه دین تو می‌جنگند، آنان مدافعان دین تو اند، مدافعان دینت را یاری کن...، خدایا به ما که مدافعان دین تو هستیم، مهربان باش، ما برای عزت خودمان می‌جنگیم، خدایا نمی‌خواهیم نسل‌های آینده‌ی ما روسپاه بمانند...» به باور جانسون «غربی‌ها در فهم این‌که با چه روشی می‌توان بر رفتار و افکار افغان‌های روستائین اثر گذاشت، ناکام ماندند. آنان نتوانستند در روستاهای جنوب و شرق نفوذگذاری کنند و رفتار روستایی‌ها را جهت دهند.» و هم‌چنان «غرب نتوانست ذهن یک روستایی عادی و ساده‌ی پشتون را بخواند و طالبان از این ناکامی غرب بهره‌ی فراوان بردند. به همین دلیل بود که غرب جنگ روایت‌ها را در افغانستان باخت.» (نگاه شود به «جنگ روایت‌ها، نوشته‌ی جانسون)

بی‌جا نیست که یک تحقیق انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که ۵۰۴۵ در صد پشتون‌های پاسخ‌دهنده در آن نظرسنجی مخالف شرکت کردن طالبان در روند انتخابات بودند. معتقد بودند که طالب نباید تسلیم دولت کابل شوند. در آن نظرسنجی، قوم پشتون ۴۱ درصد با نظام طالبانی مخالفت کردند. جنوبی‌های روستایی و حتی روستایی‌های شمال و مرکز افغانستان با روایت طالبان که همیشه بر اساس روایت‌های دینی، ننگ قومی و قبیله‌ای همراه‌اند، هم‌نوا تر و نزدیک‌تر اند.

ما باید بدین نتیجه برسیم که حوادث خونین اخیر کابل، ننگرهار و لغمان نخستین و آخرین رویدادهای خونین نخواهند بود، حتی اگر طالبان فردا سلاح به زمین بگذارند. فرهنگ حاکم فرهنگ طالبی است. صلح طالبان به معنای تحول و دگرگونی بنیادی در حیات سیاسی و فرهنگ ما نخواهد بود. دگرگونی فرهنگ حاکم و گذار از این فرهنگ که ما را همیشه ایستا، منفعل و قانع نگه‌داشته است، به معنای دگرگونی خواهد بود. این دگرگونی با مرور گذشته‌ی خود، با به پرسش گرفتن فرهنگ حاکم و گستردن دامن دانش به تمام اقشار جامعه امکان‌پذیر است. «عالم دیگر نباید ساخت و از نو آدمی» نیاز است.

یافته‌های یک تحقیق تازه:

میزان افراد دارای معلولیت ۱۳ درصد افزایش یافته است



عبدالحمید حسینی

یافته‌های یک تحقیق تازه بنیاد آسیا نشان می‌دهد که میزای افراد دارای معلولیت در افغانستان افزایش یافته است. براساس این تحقیق، افغانستان با سپری کردن چهار دهه جنگ و خشونت، بزرگ‌ترین میزان جمعیت افراد دارای معلولیت را در جهان دارا است. در این تحقیق آمده است که در پانزده سال اخیر، میزان افراد دارای معلولیت ۱۳٫۹ درصد افزایش یافته است. بنیاد آسیا در سال گذشته میلادی با ۱۴ هزار و ۴۹۰ خانواده مصاحبه کرده و یافته‌های آن نشان می‌دهد که ۸۰ درصد بزرگسالان در افغانستان دچار انواع معلولیت جسمی و حسی‌اند.

بنیاد آسیا یک تحقیق تازه‌اش در مورد افراد دارای معلولیت را به نشر رساند. در این تحقیق با ۱۱۱ هزار و ۶۴۱ نفر در سراسر کشور در مورد خصوصیات خانگی، ناتوانی در بزرگسالان از جمله شرایط بهداشتی، توانایی در عمل کرد، پشتی‌بانی از مراقبت‌های صحتی، در دسترس بودن کمک‌های شخصی و محصولات کمکی مصاحبه شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از این میان، ۸۰ درصد بزرگسالان بالاتر از ۱۸ سال، دارای نوعی اختلالات جسمی، عمل کردی، حسی یا سایر موارد هستند. در این تحقیق تصریح شده که از این میان، ۲۴٫۶ درصد آن‌ها دارای معلولیت خفیف، ۴۰٫۴ درصد دارای معلولیت متوسط و ۱۳٫۹ درصد دارای معلولیت شدید اند. در این تحقیق تذکر داده شده است که معلولیت شدید در میان زنان بیش‌تر از مردان است. در تحقیق آمده است که زنان با داشتن ۱۴٫۹ درصد معلولیت شدید نسبت به مردان با داشتن ۱۲٫۶ درصد معلولیت شدید، در رتبه نخست قرار دارند. در کنار این، در تحقیق تازه بنیاد آسیا آمده است که کودکان بین ۲ تا ۱۷ سال نیز از انواع معلولیت جسمی و حسی در رنج‌اند. براساس نتایج این تحقیق ۱۷٫۳ درصد کودکان دارای معلولیت خفیف، متوسط و شدید اند. بنیاد آسیا از افزایش افراد دارای معلولیت در کشور ابراز نگرانی کرده است. این سازمان گفته است که میزان افراد دارای معلولیت در سال ۲۰۰۵ میلادی به ۲٫۷ درصد رسیده بود، اما اکنون این رقم به ۱۳٫۹ درصد افزایش یافته است.

بنیاد آسیا در این گزارش تصریح کرده است که



معلولیت، افغانستان را در وضعیت مراقبت‌های صحتی بی‌سابقه قرار داده است. در تحقیق بنیاد آسیا آمده است که شیوع معلولیت با توجه به گروه سنی در میان بزرگسالان بیش‌تر است. براساس یافته‌های این تحقیق معلولیت در میان گروه سنی ۲ تا ۱۸ سال به ۸ درصد، در میان گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال به ۱۲ درصد، در میان گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال به ۱۵٫۲ درصد، در میان گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال به ۱۸٫۳ درصد و در میان گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال به ۲۶ درصد می‌رسد. با این حال در این گزارش تصریح شده که معلولیت در میان افراد مسن در میان گروه‌های قومی متفاوت است. در گزارش بنیاد آسیا آمده است که معلولیت شدید در میان قوم پشتون بیش‌تر است. براساس یافته‌های این تحقیق، معلولیت شدید در میان پشتون‌ها ۱۴٫۴ درصد، در میان تاجیک‌ها ۱۳٫۷ درصد، در میان هزاره‌ها ۱۳ درصد و در میان اوزبیک‌ها ۱۱٫۸ درصد شایع است. هم‌چنان در این تحقیق تصریح شده که معلولیت شدید در بین زنان، بزرگسالان، بیوه و افراد بی‌سواد و بی‌کار شایع‌تر است.

در کنار این، بنیاد آسیا میزان افراد دارای معلولیت

برای این افراد برنامه‌های آگاهی‌دهی و آموزشی ارائه شود تا افراد دارای معلولیت بتوانند از آن برای رفع نیازمندی‌های‌شان استفاده کنند.

این نهاد پیشنهاد کرده است که برای رفع نیازمندی‌های افراد دارای معلولیت بعضی برنامه‌های جامع را ارائه می‌کند و دولت افغانستان و شرکای بین‌المللی آن باید این از این داده‌ها جهت رفع مشکلات افراد دارای معلولیت استفاده کنند. این سازمان گفته است، علی‌رغم این‌که حکومت افغانستان کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و حقوق مرتبط به آن را تصویب کرده، اما جهت ارائه خدمات به افراد دارای معلولیت گام برنداشته است. این نهاد هم‌چنان بیان داشته که ادامه نابسامانی‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، ناامنی، شرایط بد اقتصادی و حکمرانی ضعیف، تلاش‌ها برای رفع نیازمندی‌های افراد دارای معلولیت را ضعیف کرده است.

در همین رابطه وزارت دولت در امور شهدا و معلولین ضمن این‌که می‌گوید از تحقیق بنیاد آسیا استقبال می‌کند، اما می‌افزاید هر تحقیقی که در رابطه به افراد دارای معلولیت صورت می‌گیرد، باید از آدرس اداره ملی احصاییه صورت بگیرد. این وزارت گفته است، تحقیقی که بدون تأیید اداره ملی احصاییه، وزارت دولت در امور شهدا و معلولین و بدون معیارهای حکومت افغانستان در مورد تعیین ارقام و آمار معلولیت با کتگوری‌های انجام نشده باشد، قابل پذیرش و تأیید نخواهد بود.

وزارت دولت در امور شهدا و معلولین بیان داشته است که دولت افغانستان برای رفع مشکلات افراد دارای معلولیت گام‌های مهم برداشته است. این وزارت گفته است که دولت برای جذب افراد دارای معلولیت در ادارات دولتی در حدود ۳ درصد سهم در نظر گرفته و اکنون بیش از ۳ درصد از کارمندان ادارات دولتی را این طیف تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، این وزارت واضح ساخته که دولت زمینه آموزش، تداوی رایگان در داخل و خارج از کشور و ایجاد سهولت در قسمت ترانسپورت نیز گام‌هایی برداشته است.

نگذارید آزادی بیان در افغانستان خفه شود

۸ صبح

خبر چنین ذکر می‌شود: «رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند، فرمودند، خاطرنشان کردند...» و موارد دیگری که در عوض فعل فرد، از فعل جمع برای فرد اول کشور استفاده می‌شود.

با این همه یک مسأله در تمام این کشورها یکسان است، مدح فرد اول کشور و باور به این‌که او در تمام موارد تخصص دارد و هیچ فردی حق انتقاد از کارکردهایش را ندارد.

در افغانستان هم طی سال‌های اخیر تقریباً چنین رویه‌ای در حال شکل گرفتن است، افرادی که به آن‌ها «فیس‌بوک چلونکی» یا «لشکریان فیس‌بوکی» گفته می‌شود و کاری جز مدح مقام‌های حکومت و سرپوش گذاشتن روی کاستی‌های دولت و مقام‌های دولتی ندارند، شمارشان رو به افزایش است.

تداوم این مسأله ممکن است در آینده، بر پیکر نیمه‌جان ارزش‌های مهمی چون دموکراسی، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها، که برای نهادینه شدن آن در افغانستان، هزینه و قربانی‌های بزرگی داده شد، صدمه بزرگی وارد کند.

اگر قرار باشد کسی از کارکرد رییس‌جمهور انتقاد نکند، همه‌ی مردم یک‌صدا رییس‌جمهور را مدح کنند، یا این‌که فرد اول مملکت احساس کند در تمام موارد تخصص دارد و ریزترین موارد حکومت‌داری باید زیر نظر او انجام شود و کسی خلاف رأی آن صدایی بلند نکند، ممکن است وضعیت افغانستان، خیلی بدتر از حال‌روز حاکم بر کشورهای همسایه شود.

با وجود تمام مشکلات اقتصادی، ناامنی، ضعف در حکومت‌داری و رسوایی بزرگ انتخابات ریاست‌جمهوری و برگزاری هم‌زمان دو مراسم سوگند وفاداری به عنوان رییس‌جمهور از سوی دو نامزد پیش‌تاز انتخابات، بازهم آزادی‌نیم‌بند حاکم در افغانستان که طی دو دهه‌ی اخیر به دست آمده است، امتیاز ویژه‌ای برای شهروندان محسوب می‌شود و نباید به راحتی امتیازی به این بزرگی، از بین برود و صدای آزادی بیان خفه شود.

نام رییس‌جمهور باید با تمام پسوندها و پیشوندهای مخصوص گرفته شود.

به طور مثال، مجری برنامه‌ی خبری تلویزیون تاجیکستان، نام رییس‌جمهور را این‌گونه ذکر می‌کند: «سرور دولت، پیشوای معظم ملت، اساس‌گذار صلح و وحدت ملی، جناب عالی، محترم امام‌علی رحمان، پزودنت کشور تاجیکستان.»

لقب‌ها و پیشوندهای مخصوص رییس‌جمهور، هر باری که نامش ذکر می‌شود، ممکن است کم‌وزیاد شود، اما هیچ‌گاهی نام فرد اول کشور، بدون ذکر این لقب‌ها برده نمی‌شود.

در رسانه‌های تاجیکستان هم تلاش می‌شود، رییس‌جمهور فردی خدمت‌گزار و ناجی ملت برای مخاطبان معرفی شود. این رویه شاید از زمان حکومت کمونیستی، و فضای بسته‌ی نوع حکومت‌داری آن، میراث مانده باشد.

در کشور ازبیکستان هم، زمان حکمرانی اسلام کریم‌اف، وضعیت مشابهی برقرار بود، اما به نظر می‌رسد بعد از مرگ او و قدرت گرفتن شوکت میرضیایف، وضعیت اندکی بهتر شد و فضای بسته‌ی حاکم بر کشور، کمی کاسته شد.

نمونه‌ی دیگر از حکومت‌داری بسته و مدح بی‌چون‌وچرای فرد اول مملکت، در ایران است، هر چند در مورد رییس‌جمهور، مخالفان و تندروهایی که خودشان را پیرو رهبر می‌دانند، با شدیدترین الفاظ، سیاست رییس‌جمهور را به باد انتقاد می‌گیرند، اما در مورد انتقاد از رهبر، خط قرمز بزرگی وجود دارد. تلویزیون ایران، نام مقام‌های ارشدی چون رییس‌جمهور، رییس پارلمان/مجلس شورای اسلامی و رییس قوه قضایی را، به صورت عادی بیان می‌کند، اما نام رهبر باید با پیشوندهای مخصوص ذکر شود و هیچ انتقادی از عمل کرد و سیاست‌هایش نشر نشود. در خبرهای مربوط به رهبر ایران که از تلویزیون این کشور نشر می‌شود، به جای ذکر این‌که رهبر گفت،

تخصص دارد و زمانی که حرف می‌زند، مقام‌های ارشد حکومت، باید مانند «زبات» حرف‌هایش را یادداشت کنند.

تصویر ارایه شده از رییس‌جمهور در تلویزیون ترکمنستان، چنین است که او، یک نظامی کارکشته، ورزش‌کاری قهار، اسب‌سواری ماهر، نویسند‌های قابل که تاکنون در حوزه‌های گوناگون چندین کتاب نگاشته و حتا پیلوتی موفق است، که در هنگام پرواز با چرخ‌بال، خودش چرخ‌بال مخصوص رییس‌جمهور را هدایت می‌کند.

عکس‌های بزرگ رییس‌جمهور در مکان‌های گوناگون دولتی و غیردولتی نصب است، و زمانی‌که در مراسمی رییس‌جمهور برای اشتراک‌کننده‌گان هدیه‌ای می‌دهد، فرد دریافت‌کننده‌ی هدیه، باید آن را بوسه زند و بر پیشانی‌اش بکشد.

چیزی در تلویزیون ترکمنستان نمایش داده می‌شود، تنها یک روی سکه است، روی دیگر سکه چنان است که این کشور، فضایی به شدت بسته و امنیتی دارد، و آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها، جایگاهی در آن قلمرو ندارد.

روایت افرادی که به ترکمنستان سفر کرده‌اند، از فضای آن کشور این‌گونه است که حتا شهروندان ترکمن، از ترس حکومت، حاضر نیستند با رسانه‌ها صحبت کنند.

من تجربه‌ی حضور در برنامه‌هایی که مقام‌های رسمی ترکمنستان در آن اشتراک داشته‌اند را دارم، حتا یک مقام ارشد در سطح وزیر خارجه هم، حاضر نیست با رسانه‌ها مصاحبه، تنها محتویات کاغذی که در دست دارد را می‌خواند و مترجم، ترجمه متن را به فارسی، در کاغذ دیگری دستش است، به حاضران ارایه می‌کند.

از ترکمنستان که بگذریم، وضعیت در همسایه‌ی شمالی دیگر مان، تاجیکستان هم تفاوت زیادی با ترکمنستان ندارد. در شبکه‌های تلویزیونی تاجیکی،

در روزهای قرنطین هرات، یک‌ماه در خانه بودم و خلاف روزهای دیگر، فرصت بیش‌تری برای تماشای تلویزیون داشتم. فهرست شبکه‌های خارجی ماهواره‌ای را جست‌وجو کردم و با چند شبکه از ترکمنستان آشنا شدم.

کشوری که هفت شبکه‌ی تلویزیونی روی ماهواره «یاهست» دارد و یکی از آن‌ها مخصوص نشر آهنگ‌های میهنی است و بیش‌تر رییس‌جمهور را مدح می‌کند، یکی برنامه‌های اجتماعی را نشر می‌کند و چند شبکه‌ی دیگر با موضوعات گوناگون، اما در همه‌ی آن‌ها تلاش می‌شود، چهره‌ای توسعه‌یافته و مترقی از این کشور به مخاطبان نمایش داده شود.

در میان این شبکه‌ها، یکی به زبان فارسی نیز نشرات ندارد و برنامه‌های گوناگون و خبرهای داخلی ترکمنستان را نشر می‌کند. هنگام نشر خبرهای شبانگه‌ی، جز شبکه موسیقی، تمام شبکه‌های دیگر برنامه‌های عادی‌شان قطع می‌شود و هم‌زمان خبر پخش می‌کنند.

بخش بزرگی از خبرها، مربوط به کارهای عادی و روزانه رییس‌جمهور است. گزارش‌هایی که در مورد رییس‌جمهور نشر می‌شود، با هیچ‌کدام از قالب‌های معمول گزارش تلویزیونی هم‌خوانی ندارد.

در برخی موارد مدت زمان نشر یک گزارش در مورد بازدید رییس‌جمهور از باشگاه سوارکاری و پرورش اسب، بیش‌تر از ۱۰ دقیقه طول می‌کشد. در برنامه‌های مهم‌تر حتا زمان گزارش از این هم فراتر می‌رود.

تلویزیون دولتی ترکمنستان می‌خواهد به مخاطبان خارجی‌اش این حس را انتقال دهد که رییس‌جمهور کشور، مردی «جامع‌الکلمات» است. در برنامه‌های آن دیده می‌شود که قربان‌قلی بردی محمداف، رییس‌جمهور این کشور، که دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی دندان‌پزشکی/ طب دندان است، در تمام زمینه‌ها

احمد رشاد میرزاده

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه دولتی پروان

قانون اساسی هر کشور به خصوص کشورهای پسمانزاعه من حیث قانون مادر و برتر، باید پاسخگوی نیازهای مهم و ارزنده جامعه‌ای که این قانون بر آن حاکمیت دارد، باشد. قانون اساسی افغانستان که ۲۰ سال پیش از امروز توسط اعضای جلسه بزرگ (لویه‌جرگه) ساخته شد و بعد از اما و اگرهای فراوان آن زمان به توشیح رییس جمهور وقت رسید، بدیخته در طول این مدت، بارهای بار نتوانسته است در منازعات ایجاد شده کشور پاسخگو باشد و حلال مشکلات به وجود آمده در مقاطع مختلف تاریخ ۲۰ سال اخیر کشور واقع گردد.

افغانستان که یک کشور متکثر و دارای اقوام گوناگون و احزاب مبتنی بر برداشت‌های قومی است در درازنای تاریخ، گاهی به صورت گسترده و گاهی هم کم‌فروغ دچار منازعات سیاسی بوده و این میراث را می‌توان تقریباً گفت که از درازنای تاریخ معاصر و عصر روشن‌فکری افغانستان برای مردم در بخش سیاست به میراث گذاشته شده است.

این فروغ منازعات سیاسی، ناشی از داشتن رویکردهای قوم‌گرایانه، خواه از هر جناحی که باشد در طول این ۲۰ سال اخیر به حد اعظمی‌اش به خصوص در سالیان اخیر رسانده است. از آن‌جایی که منازعات سیاسی همیشه دامن‌گیر کشورها در طول تاریخ بوده، ولی بعد از پایان این منازعات، کشورها به نظام و قانون اساسی دست پیدا کرده‌اند و توسط این قانون که برای آینده کشورهای پسمانزاعه ساخته شده است، مکانیسم‌هایی را پیش‌بینی کرده‌اند که از مشکلات سیاسی که احتمالاً در آینده برای کشورهای پسمانزاعه ممکن است رخ بدهد، بتواند جلوگیری کند. به گونه‌ی معمول احزاب درگیر به دست آوردن قدرت یا حداقل اشخاص دخیل به خاطر کسب قدرت در کشورهای پسا بحران، به دنبال به دست آوردن کسب ریاست دولت یا هم صدرات آن کشور اند؛ البته در صورتی که کشور پسمانزاعه صدارتی پارلمانی باشد. این وضع و حالت، خود نشان می‌دهد که از فی‌صدی پنجاه بالاتر، احتمال واقع شدن بن‌بست‌های سیاسی میان اقشار قدرت‌طلب است؛ که شوربختانه افغانستان از این امر استثنا قرار نگرفته و عملاً در طول ۲۰ سال اخیر، بارها شاهد این موضوع بوده است. میان نامزدان آدرس‌های مختلف منازعات پسانتخابات رخ داده است و هر بار قانون اساسی افغانستان در حل کردن بن‌بست‌های سیاسی عاجز مانده و نتوانسته است که این مشکلات و خلاها را حل کند.

عدم توافق سیاسی، ناکامی قانون اساسی

انتخاباتی انجامیده است.

بنا لازم بود که با داشتن مواد و احکام واضح برای جلوگیری از بحران‌های پسانتخابات در قانون مادر که قانون اساسی است، مکانیسم‌های حل‌کننده درج می‌شد تا حداقل به شکل کلی و عمومی برای این بحران‌ها احکامی می‌داشتیم تا از جانب نامزدان متخلف و معترض و گروه‌های میانجی آدرس خوبی برای حل بحران می‌بود و به آن تمکین می‌شد. اما بدبختانه که در سه بحران انتخاباتی که از انتخابات سال ۲۰۰۹ آغاز شده و در انتخابات سال ۲۰۱۴ ادامه داشت و به انتخابات سال ۲۰۱۹ انجامید، دیده شده است که قانون اساسی ناکام بوده و از حل بحران پسانتخابات عاجز مانده است. به نحوی که در سال ۲۰۰۹ به نقل از «سیاست افغانستان» روایتی از درون کتاب آقای سپنتا، بحران انتخاباتی که میان آقای عبدالله عبدالله و حامد کرزی پیش آمده بود، به میانجی‌گری آقای جان کری که آن زمان سناتور بود و ماموریت داشت تا انتخابات آن زمان را به دور دوم بکشاند، که بالاخره با انصراف آقای عبدالله به دور دوم نرفت و منجر به ریاست جمهوری حامد کرزی شد، نشان‌دهنده ناکامی و عاجز ماندن قانون اساسی در حل بحران انتخاباتی است.

همین سناریوی ناکامی قانون اساسی در حل بحران سیاسی ناشی از انتخابات در سال ۲۰۱۴ نیز تکرار شد و منجر به تفاهم‌نامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی گردید که شهروندان از چگونگی تشکیل حکومت در نتیجه انتخابات اخیر ریاست جمهوری افغانستان برای بار سوم با بحران سیاسی پسانتخابات میان آقایان عبدالله عبدالله و اشرف غنی روبه‌رو گردید که این بحران سیاسی پسانتخابات هنوز هم جریان دارد و به کدام تفاهم ملموس دو طرف نرسیده‌اند که این سناریو برای بار چندم قانون اساسی را با چالش مواجه می‌سازد و بدبختانه این بار هم در حل بحران انتخاباتی برای رسیدن به تفاهم سیاسی و تقسیم قدرت به دلیل کاستی‌ها و نارسایی‌های ذاتی قانون اساسی با مشکلات گذشته به تکرار روبه‌رو شده‌ایم و این قانون در حل آن عاجز مانده است.

در نتیجه آن‌چه گفته آمدیم متأسفانه قانون اساسی نافذ فعلی که ۲۰ سال پیش تدوین گردیده بود با واقعیت‌های عینی جامعه‌ی کثرت‌محور، چندقومی و چندفرهنگی

از آن‌جایی که افغانستان یک کشور متکثر، چندفرهنگی و چندقومی است و در عین حال کشوری پسا بحران، ۲۰ سال قبل از امروز بود که تازه به صلح نسبی در آن زمان دست پیدا کرد و جناح‌های دخیل این را می‌دانستند که اقشار مختلف در کشور وجود دارند که در انتخابات‌های آینده خواهان کسب قدرت‌اند و این علاقه به قدرت داشتن و شخص اول بودن در نظام پسمانزاعه ممکن خواهد بود که باعث چالش‌های انتخاباتی و بن‌بست‌های سیاسی شود؛ باید در مورد مکانیسم‌های حل بحران‌های سیاسی پسانتخابات فکر می‌کردند و در قانون اساسی این موضوع را می‌گنجانیدند تا در صورت رخ دادن چنین بحران‌های سیاسی، با توسل به قانون اساسی این مشکلات حل می‌شد و در عین حال، زمانی که چنین احکامی در قانون اساسی ذکر می‌گردید، بدون شک دسته‌های انتخاباتی با توجه به آن، هیچ‌وقت دست به اعمال فراقانونی در جریان انتخابات نمی‌زدند و به شکل خودکار از بحران و بن‌بست‌های انتخاباتی ناشی از جریان یا هم اعلان شدن نتیجه‌ی آن جلوگیری می‌شد و به مواد و احکام در این ارتباط بدون شک نامزدان معترض و یا متخلف تمکین می‌کردند. ولی بدبختانه که در مورد انتخابات ریاست جمهوری در فصل سوم قانون اساسی افغانستان که بحث رییس جمهور را داشته است، فقط در مورد وقت برگزاری انتخابات، دور دوم انتخابات، شرایط پیش‌آمده در صورت فوت شدن یکی از نامزدان در دور اول و دوم و بالاخره نحوه به دست آوردن رأی آمده برای رییس جمهور شدن پرداخته است. به دلیل این که قانون اساسی برای همه‌گان در دسترس است از آوردن این مواد قانون اساسی خودداری می‌کنم. نمی‌خواهم بحث را بیش‌تر حقوقی، بسازم ولی این موضوع هم در خور یادآوری است که به تاسی از همین مواد و مواد دیگر مربوط به تشکیل کمیسیون‌های انتخاباتی و تدوین قانون انتخابات بحث‌ها و مکانیسم‌های دیگر برای تمام پروسه انتخابات در قانون انتخابات ذکر گردیده است، ولی این واضح و هویدا شده است که متأسفانه در هیچ یک از انتخابات‌های گذشته ریاست جمهوری به قانون انتخابات به نحوی از انحا از جانب نامزدان و تا اندازه‌ی خیلی زیادی از جانب خود کمیسیون‌های مستقل انتخابات برای اجرایی کردن درست و شفاف این موارد قانونی، تمکین نشده و با کم‌کاری‌هایی که داشته‌اند، منجر به اختلافات و اعتراضاتی شده که در نتیجه به بن‌بست

کرونا آموزه‌های مدرنیته را به چالش کشید

جابر کوهستانی

مدرنیته به وعده‌هایش وفا نکرد. مدرنیته وعده داده بود که عدالت را تامین کند، صلح بیاورد، رفاه اقتصادی را تامین کند و جهان را به سمت خوش‌بختی بکشاند، اما برعکس باعث شد ثروت جهان به جیب چند آدم محدود متمرکز شود، جنگ پایدار ثبات جهان را همیشه تهدید کند، فقر و تنگ‌دستی اکثریت جهان را فرا گیرد و ضریب خوش‌بختی به صفر تقرب کند.

پدیده کرونا اولین و آخرین پدیده عجیب و خطرناک در جهان نیست، ولی محک و معیاری است که آموزه‌های مدرنیته را به چالش کشید و از نهیلیسم و بی‌معنایی نهفته در تمدن غرب بیش از پیش پرده برداشته و آن را نمایان کرد. کرونا نشان می‌دهد در کشورهای بزرگ اروپایی و امریکایی که سردمداران مدرنیته‌اند، چگونه بشر دوره جدید به بن‌بست روحی گرفتار شده و بحران‌های روحی خود را در قالب‌های گوناگون نشان می‌دهند. مفاهیمی هم‌چون انسان‌دوستی، نوع‌دوستی، ایثار و فداکاری رنگ باخته است. حمله به فروشگاه‌ها و تصاحب همه چیز برای خود، تجهیز به سلاح‌های گرم، دزدی و غارت اموال و امکانات توسط دولت‌ها، بی‌توجهی به کهن‌سالان و... نمونه‌هایی از این وضعیت بوده و تابلویی از تفکر و رفتار انسان مدرن را به نمایش می‌گذارد. این وضعیت نشان می‌دهد که دین افیون توده‌ها نیست، بلکه زیستن در عالم «بی‌معنایی» که فرزند نامشروع دوره مدرن و غیبت دین در عرصه زنده‌گی فردی و اجتماعی است، افیون توده‌ها است.

بحران ویروس کرونا، میدان نبرد جهان‌شمولی است که اغلب کشورها به دلایل مختلفی چون انکار، پنهان‌کاری، سهل‌انگاری، سیاسی‌کاری و تقدم‌بخشی به منافع اقتصادی در مقابل سلامت مردم، در وهله اول از این ویروس، شکست سنگینی خورده‌اند.

در صورت مهار نشدن امواج سهمگین این سونامی عالم‌گیر، فروپاشی اقتصاد جهان گریزناپذیر خواهد بود. بی‌کاری، فقر، آشفته‌گی و ناامنی ناشی از فلج شدن اقتصاد جهان، می‌تواند ستون‌های عمارت تمدن هزاران‌ساله بشریت را آن‌چنان به لرزه درآورد که بازسازی دوباره آن دور از تصور باشد.

ارتقای این ویروس از مرز اپیدمیک (همه‌گیر) به حد پاندمیک (عالم‌گیر) سبب شده به موضوع جهانی تبدیل شود. کرونا توانسته جهان را در ابعاد مختلف به خود مشغول سازد. این ویروس در حوزه‌های مختلف تأثیراتی به شرح ذیل

داشته است:

۱- سیاست: کرونا لیبرالیسم به عنوان مکتب مسلط قرن بیستم را به چالش کشیده است. انسان فردگرای مغرور که با ایتنا بر اومانلیسم خودش را مرکز جهان می‌انگاشت، حالا در مقابل موجودی بسیار کوچک زانو زده است. چنان‌چه گفتمان پوست مدرنیسم پایه‌های تجددگرایی را از دهه ۱۹۶۰ سست کرده بود و اینک مشخص شد که قدرت متمرکز در سطح دولت ناکارا است. به گفته فوکو، باید از قدرت منتشر سخن بگوییم، نه از قدرت متمرکز. کرونا توانسته در حد یک زمان محدود تمام نظام موجود روابط بین‌الملل یعنی همان نظام چندقطبی که یک کشور در راس قرار دارد را به چالش بکشاند. وضعیت کنونی موجب قدرت‌گیری چین و جدا شدن استراتژیک کشورها خواهد شد. نمونه مثال قطع همکاری امریکا با شرکای بین‌المللی‌اش مخصوصاً اروپا است. شکاف بزرگی که در ناتو ایجاد شد، از باور همه دور بود. قطع پروازهای اروپا به امریکا که نمونه بارز این کشیده‌گی است. در حوزه سیاست خارجی کرونا توانست در مرحله نخست جنگ گروه‌های نیابتی را کاهش ببخشد، ولی حالا روند سربازگیری از سر شروع شده و گروهک‌های جدیدی مانند حرکت انتقام اسلامی با استفاده از موقع وارد صحنه سربازگیری شده‌اند. موج انتقادات مردم از دولت‌ها ناشی از عمل کرد ناکام در امر مبارزه با کرونا سبب شده تا دموکراسی‌های نوپا را به سمت تمرکزگرایی و فساد و پنهان‌کاری بکشاند. تمام نظام‌های سیاسی در مواقع بحران به اقتدار قوه مجریه نیاز دارند، حال آن‌که تجربه نشان داد که دولت‌های دموکراتیک در مقابل اقتدارگرا در امر مبارزه با این اپیدمی کدام برتری نداشته و تنها چیزی که در سیاست داخلی کشورها را کمک کرده، همان اعتماد شهروندان به رهبران و شایسته‌گی و کارآمدی دولت‌ها است، نه نوع نظام‌ها.

۲- اقتصاد: با وجود اولویت دادن کشورهای جهان به رفع بحران اقتصادی بر بحران سلامت اجتماعی، تأثیر کرونا بالای اقتصاد جهان محسوس است. از کار افتادن چرخه اقتصاد جهانی، مارکت اقتصادی را مورد تهدید جدی قرار داده است. کاهش تقاضا و تولید جموعی، بی‌کاری، کاهش عرضه جموعی و... تأثیرات کرونا بالای اقتصاد است. اقتصاد چه در سطح داخلی و چه در سطح

به گسترش فقر، بی‌کاری، اعتیاد و بحران‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود که عملاً چنین وضعیت را تجربه می‌کنیم.

شدت تأثیر و ماندگاری بحران کرونا به ماهیت و نوع سیاست‌های اقتصادی و مدیریتی و سرعت واکنش دولت‌ها در برابر این بحران ارتباط دارد. از آن‌جایی که جهان مدرن تجربه روبرویی با چنین بحران را نداشته است، پیش‌فرضیات نهادهای تحقیقی نیز در حد یک فرضیه باقی خواهد ماند. چنان‌چه روند جهانی شدن با یک بن‌بست تعریف نشده مقابل شده است، نیاز مبرم به یک بازنگری در سطح نهادهای جهانی و مکانیزم‌های تعریف شده نظم نوین است، تا بتواند از چنین سونامی‌ها جان به سلامت ببرد.

بین‌المللی از کرونا متأثر شده است. نظر به پیش‌بینی صندوق جهانی پول بحران اقتصادی ناشی از کرونا در ۹۰ سال اخیر بی‌سابقه خواهد بود. به نظر رابین نی لبت، کرونا می‌تواند کمر جهانی‌سازی اقتصاد را بشکند و پایان جهانی شدن را اعلان کند. به تعبیر شانون اونیل، عضو شورای روابط خارجی امریکا، تضعیف اصول اساسی تولید جهانی و کوچک‌تر شدن شرکت‌های زنجیره‌ای در جهان از جمله آثار وضعیت کرونایی در آینده خواهد بود. در کشورهای با اقتصاد ضعیف، کرونا ممکن است



د افغانستان اسلامی جمهوریت
د سیمه بیزو اورگانونو خپلواکه اداره
دشاروالیو معینیت
د ولسی ترون ملی پروگرام

Islamic Republic of Afghanistan
Independent Directorate of Local Governance
Deputy Ministry of Municipalities
Citizen's Charter National Priority Program
Procurement Management Unit



اعلان دعوت به داوطلبی

عنوان: پروژه خریداری تونر (رنگ پرنتر)

شماره دعوت‌نامه داوطلبی: IDLG/ARTF/CCNPP/IOC.20 - 2020

برنامه ملی میثاق شهروندی ریاست مستقل ارگان‌های محلی معینیت شاروالی‌ها از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید، تا در پروسه داوطلبی پروژه خریداری تونر (رنگ پرنتر) بریا برنامه ملی میثاق شهروندی اشتراک نموده و کاپی شرطنامه مربوط را به طور سافت از برنامه ملی میثاق شهروندی ریاست مستقل ارگان‌های محلی و یا از طریق ایمیل آدرس ذیل و هم چنان از سایت تدارکات ملی و اکبر به دست آورده، آفرهای خویش را طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۲۷ جوزا ۱۳۹۹ ارائه نماید.

تضمین آفر به شکل تضمین بانکی مبلغ ۲۵۰,۰۰۰ دو صد و پنجا هزار افغانی و جلسه آفر گشایی به ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ۲۷ جوزا ۱۳۹۹ در سالون کنفرانس برنامه ملی میثاق شهروندی ریاست مستقل ارگان‌های محلی معینیت شاروالی‌ها تدویر می‌گردد.

نوت: (۱) پول نقد به عنوان تضمین آفر پذیرفته نمی‌شود.

ایمیل آدرس: u.sultani@ccnpp.org t.safi@ccnpp.org, procurement.idlg@ccnpp.org

شماره تبلیغون: ۰۲۰۲۲۱۴۰۱۲

ادعای فساد میلیونی در توزیع نان به نیازمندان هراتی



محمدحسین نیکخواه

شورای ولایتی هرات ادعا دارد در توزیع نان به نیازمندان هراتی، هر هفته پنج میلیون افغانی فساد مالی و حیثیومیل صورت گرفته است. شماری از اعضای «انجمن نانویان هرات» هم ادعا دارند، در توزیع آرد به نانویان هرات فساد وجود دارد و به جای آرد قزاقی، برای شان آرد افغانی توزیع می‌شود.

اسنادی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته نشان می‌دهد، شرکت قراردادی آرد، که هر بوجی ۵۰ کیلوگی آرد قزاقی را ۱۹۴۵ افغانی قرارداد نموده، در بدل عدم تحویل آرد به نانویان هرات، مبلغ ۱۷۵۰ افغانی پرداخت کرده است. ریاست اتاق اصناف و پیشه‌وران هرات، شرکت قراردادی توزیع آرد و اتحادیه صنف نانویان، نهادی که موازی با «انجمن نانویان» فعالیت دارد، این ادعاها را بی‌اساس می‌دانند. شهرداری هرات هم حاضر نیست در این مورد چیزی بگوید.

پیش از این، والی هرات وجود برخی مشکلات در توزیع نان و تأمین آرد را تأیید و بر تلاش برای از میان بردن آن پافشاری کرده بود. برخی اعضای کمیته نظارت بر مصرف بودجهی کرونا، که توزیع نان را نظارت می‌کنند، از وجود کاستی‌ها در این روند سخن می‌گویند.

ادعای فساد در تأمین آرد و توزیع نان

برخی اعضای شورای ولایتی هرات، که عضو کمیتهی نظارت بر مصرف بودجهی کرونا در این ولایت هستند، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح ادعا دارند، در توزیع آرد و پخت نان برای نیازمندان، فساد مالی و حیثیومیل پول وجود دارد.

غلامحبيب هاشمی، عضو شورای ولایتی و عضو کمیتهی نظارت بر مصرف بودجهی کرونا در هرات، ادعا دارد، از مجموع ۴۰ میلیون افغانی بودجهی هفته‌وار خرید آرد، هر هفته پنج میلیون افغانی فساد و حیثیومیل شده است.

به گفتهی او، برخی کاستی‌ها در تأمین آرد و توزیع نان وجود دارد و مشکلات موجود، با شخص والی هرات هم در میان گذاشته شده است. وحید کامیار، عضو کمیتهی نظارت بر مصرف بودجه، در صحبت با روزنامه ۸صبح از وجود برخی نشانه‌ها، مبنی بر احتمال فساد در توزیع نان سخن می‌زند.

توزیع آرد بی‌کیفیت با نام «آرد اعلاى قزاقى» به نانویان هرات، از سوی شرکت قراردادی، یکی دیگر از موارد تخلف در توزیع نان عنوان می‌شود، اما شرکت قراردادی با رد این ادعا پافشاری دارد، نانویان هرات نباید آرد بی‌کیفیت را تحویل می‌گرفتند.

عبدالظاهر رحیمی، مسوول «انجمن نانویان هرات» نهادی که موازی با «اتحادیه صنف نانویان هرات» فعالیت دارد، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید او موارد فساد و حیثیومیل پول در روند تأمین آرد و توزیع نان را، به سازنوالی و مقام‌های حکومت مرکزی گزارش می‌دهد.

وی تأکید دارد، اتاق اصناف و پیشه‌وران، در تبانی با اتحادیه‌های نانویان و علافان، در فساد و حیثیومیل پول نان به نیازمندان دست دارد. شماری از نانویان هم‌سو با او، از حکومت می‌خواهند جلو فساد موجود را بگیرد. مشکلات توزیع نان به نیازمندان هراتی، روز دوشنبه هفته گذشته، بیست‌دوم ثور، پس از توقف توزیع نان در نانویان هرات همه‌گانی شد. ریاست شهرداری هرات با نشر اعلامیه، از کمبود آرد پرده برداشت و دلیل توقف توزیع نان را، همین مسأله بیان کرد.

فساد از سوی سازنوالی بررسی شود

با انتقاد برخی نانواها از نرسیدن آرد، شرکت قراردادی دو راه را مقابل آن‌ها گذاشت، یا با ضمانت شرکت، با چند روز تأخیر آرد بگیرند، یا پول آرد را به گونهی نقدی دریافت کنند. در تفاهم صورت گرفته میان «شرکت ناصری» و اداره محلی هرات، هر بوجی آرد ۵۰ کیلوگی

«اعلاى قزاقى» با پرداخت مالیات دولت و هزینهی انتقال به نانویان هرات، ۱۹۴۵ افغانی قرارداد شده است. اسنادی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته نشان می‌دهد، در عوض تحویل هر بوجی آرد ۵۰ کیلوگی قزاقی، شرکت قراردادی برای هر نانوا ۱۷۵۰ افغانی پرداخته است. با این حساب، شرکت قراردادی در جبران هر بوجی آردی که نتوانسته به نانویان هرات بدهد، نسبت به رقم قرارداد با حکومت، ۱۹۵ افغانی کم‌تر پرداخت کرده است.

در هرات، روزانه باید ۳۲۵۰ کیسه آرد از سوی شرکت قراردادی به نانویان توزیع شود، اگر از مبلغ ۱۹۵ افغانی، ۹۵ افغانی مالیات دولت کسر شود، روزانه ۳۲۵ هزار افغانی و هفته‌وار دو میلیون ۲۷۵ هزار افغانی، در هر کیسه آرد تفاوت قیمت رونما می‌شود.

ناصر ناصری، رییس شرکت قراردادی توزیع آرد، در واکنش به این مسأله می‌گوید یک محموله‌ی بزرگ آرد قزاقی به بندر مرزی «تورغندی» هرات رسیده و اگر نانویان پول نقد دریافت نکنند، برای شان تا روز دوشنبه هفته روان، آرد توزیع می‌شود.

او هم‌چنان ادعاهای مطرح شده در مورد فساد و حیثیومیل پول در تأمین آرد را بی‌اساس دانسته و تأکید می‌کند، از مجموع ۱۹۴۵ افغانی قرارداد تأمین آرد، با کسر هزینه‌های مالیات و انتقال بار، برای هر کدام از نانویان که آرد نمی‌گیرند، ۱۷۵۰ افغانی، پرداخت می‌شود.

به گفتهی وی، پرداخت این پول، در تفاهم با اتاق اصناف، و اتحادیه‌های نانویان و علافان صورت گرفته و شخص عبدالظاهر رحیمی، آن را تأیید کرده است، اما مسوول «انجمن نانویان هرات» ادعا دارد، او پرداخت ۱۹۴۵ افغانی برای هر نانوا را در بدل هر بوجی ۵۰ کیلوگی تأیید کرده است.

اسناد پرداخت پول به جای دریافت آرد قزاقی به نانویان در هرات

حکومت دوسره نانویان در هرات به نظر می‌رسد دودسته‌گی میان نانویان و تشکیل دو اتحادیه موازی، مشکلی بزرگی را در روند توزیع نان ایجاد کرده است. عبدالودود فیض‌زاده، رییس اتاق اصناف و پیشه‌وران هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید از نظر این نهاد، «انجمن نانویان هرات» با سرپرستی عبدالظاهر رحیمی، غیرقانونی است و رسمیت ندارد.

اخترخان توخی، رییس «اتحادیه صنف نانویان هرات» باور دارد، در روند توزیع نان مشکلی وجود ندارد و در روزهایی که آرد نرسید، بیش‌تر نانویان‌ها از ذخیره‌های شخصی خودشان برای نیازمندان نان توزیع کرده‌اند.

اتاق اصناف و «اتحادیه صنف نانویان هرات» شخص عبدالظاهر رحیمی و «انجمن نانویان هرات» را به آشوب‌گری و مختل‌سازی روند توزیع نان به دلیل سودجویی و منفعت‌های شخصی متهم می‌کنند، ادعایی که از سوی طرف مقابل، بی‌بنیاد دانسته می‌شود.

عبدالواحد واحدی، رییس اتحادیه علافان هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح، دودسته‌گی و مشکلات درون سازمانی اتحادیه‌های نانویان را، سبب ایجاد مشکل در توزیع نان به نیازمندان می‌داند. با این وجود، مسوولان شهرداری هرات، حاضر نشدند در این مورد به روزنامه ۸صبح چیزی بگویند.

ریاست اتاق اصناف و پیشه‌وران، شرکت قراردادی توزیع آرد و اتحادیه صنف نانویان، تمامی ادعاهای مطرح شده از سوی «انجمن نانویان هرات» مبنی بر فساد حیثیومیل پول را بی‌اساس دانسته و بر پیش‌برد روند توزیع نان به صورت قانونی و شفاف پافشاری دارند.

پیش از این، سیدوحید قتالی، والی هرات، وجود برخی مشکلات در روند توزیع نان به نیازمندان را تأیید و بر تلاش حکومت برای از میان بردن مشکلات موجود تأکید کرده بود. بر اساس فرمان رییس‌جمهور، در هرات، برای بیش‌تر از ۶۱ هزار خانواده نیازمند، روزانه ۱۰ قرص نان داده می‌شود، اما این روند، از همان روزهای نخست، با مشکلات و کاستی‌هایی همراه بوده است.



د افغانستان اسلامي جمهورى دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

د کړهڼې او بولگولو مالدارۍ وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی



دعوت به داوطلبی از روش انتخاب بر اساس کیفیت (CQS)

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/P-ARBP/CQS-1

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت آبیاری و مالدارى از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه استخدام External Audit for the Projects Annual Financial Audit, 2020 and 2021 ضرورت پروژه P-ARBP اشتراک نموده، از تمام داوطلبان علاقمند خواهشمندیم تا برای راجستر و تسلیم نمودن اظهار علاقمندی از طریق آنلاین به وب سایت ADB مراجعه نموده https://selfservice.adb.org/OA_HTML/adb/xxcrs/jsp/ADBCsrnFwd.jsp?sel=160319 از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۱:۵۹ بعد از ظهر تایم مانیلا (Manila local time) روز یکشنبه تاریخ ۱۴ جون ۲۰۲۰.

شماره تماس: (۰) ۷۹۰۸۳۲۳۸۶, (۰) ۷۸۶۷۲۳۹۴۱

ایمیل آدرس:

mohammadullah.sahil@mail.gov.af

lhsanullah.ihsan@mail.gov.af

lhsanullahk@gmail.com



د افغانستان اسلامي جمهورى دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

د کړهڼې او بولگولو مالدارۍ وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی



اطلاعیه تصمصیم اعطا قرار داد

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى در نظر دارد تا پروژه تهیه و خریداری دونوع واکسین بروسولوز نوع (REV-1 و S.19) ضرورت پروژه ملی باغداری و مالدارى (NHLP) این وزارت تحت کد نمبر MAIL/ARTF/NHLP/ICB-LC-GO-2020-43 را به شرکت محترم پامیر اگروویت لمیتد دارای جواز نمبر ۲۲۲۶۶ به قیمت مجموعی مبلغ ۱۷,۶۶۵,۶۵۰ (هفده میلیون و شش صد و پنچ هزار و شش صد و پنجاه) افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی چهارده روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطنی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.



د افغانستان اسلامي جمهورى دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

د کړهڼې او بولگولو مالدارۍ وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی



اطلاعیه تصمصیم اعطا قرار داد

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى در نظر دارد تا پروژه تهیه و خریداری قیچی جمع آوری جلغوزه ضرورت پروژه ملی باغداری و مالدارى (NHLP) این وزارت تحت کد نمبر MAIL/ARTF/NHLP/ICB-IMST-GO-2020-55 را به شرکت محترم سید عبدالله پروانی لمیتد دارای جواز نمبر ۱۲۷۷۰-۱۰۱ به قیمت مجموعی مبلغ ۳۳,۹۷۳,۶۳۲,۰۰۰ (سی و سه میلیون و نه صد و هفتاد و سه هزار و شش صد و سی و دو) افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی چهارده روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطنی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
معاون مدیرمسول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
خبرنگاران: خلیل اسیر، سیدحسن حسینی، محمدحسین نیکخواه
حسب بهش، عبدالاحمد حسینی و علی شاه حقمیل
ویراستار: علی نظری، س.نوین

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Sanjar Sohail sanjarsohail@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

سال دوازدهم
شماره ۳۳۵۶
شنبه
۲۷ ثور ۱۳۹۹
۱۶ می ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

صفحه آرایی: مرادی و عبدالواسع
مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرمهر
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۹۹۹@gmail.com Shaparsepahr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

مستر دیت کارت

مستر دیت کارت همراه با خدمات گسترده، متناسب با نیازها و شرایط مالی شما میباشد. کارت متکره به سادگی با حساب مشتری عزیز بانک ارتباط دارد تا مشتری به پول خود در هر نقطه دنیا دسترسی داشته باشد.

- در بیشتر از 26 ملیون فروشگاه های سراسر جهان قابل پذیرش بوده و همچنان در کارت متکره در فروشگاه های تجاری انتخاب شده، تخفیف مناسب در نظر گرفته میشود.
- پذیرش در ماشین های خود پرداز صرافی برای برداشت سریع پول نقد در افغانستان و کشور های خارجی، برداشت مجانی پول نقد از همه ماشین های خود پرداز صرافی عزیز بانک

www.azizbank.af 1515

شیوع کووید-۱۹ چی پیامدی برای اقتصاد آشفتهی افغانستان دارد؟

◆ نویسنده: شعیب احمد رحیم
◆ برگردان: م. صابر صدیقی

حتا پیش از آن که کروناویروس جهان را گروگان بگیرد، گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی ۲۰۱۹ صندوق بین‌المللی پول (IMF) قبلاً نگرانی‌هایی را مطرح و تخمین کرده بود که به دلیل کاهش رشد اقتصادی در مناطق مختلف، چشم‌انداز اقتصادی منفی خواهد بود. دلایل عمده آن مواردی چون جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین و برگزیت بود. در یک گزارش بانک جهانی آمده است که فقر در کشورهای شکننده یا درگیر جنگ تشدید خواهد شد و این کشورها بی‌نهایت متاثر خواهند شد، اگر اقدامات جدی روی دست گرفته نشود؛ چون دو سوم فقرای جهانی در این کشورها زنده‌گی می‌کنند. این ماجرا قبل از شیوع‌کووید-۱۹ بود که جهان را به حالت سکنه اقتصادی روبرو ساخت. همه‌گیری مرض کووید-۱۹ مطمئناً چشم‌انداز اقتصادی جهان را بدتر می‌کند و بهبود وضعیت ممکن است سال‌ها برای اقتصادهای بزرگ طول بکشد. افغانستان که در شاخص‌های درگیری منازعات به شدت در بالاترین مرتبه بین کشورهای شکننده قرار دارد، از این قاعده مستثنا نیست و تحولات خوبی را به همراه نخواهد داشت.

اقتصاد افغانستان در گزارش‌های اقتصادی جهانی مورد توجه زیادی قرار نمی‌گیرد، به این دلیل که از نظر اندازه کوچک‌تر و با اقتصاد جهانی یک‌پارچه‌تر نیست. در جریان بحران مالی جهانی ۲۰۰۷ - ۲۰۰۸، اقتصاد افغانستان تقریباً تحت تأثیر قرار نگرفت، زیرا عمدتاً به کمک‌های بین‌الملل بسته‌گی داشت. حتا نوسانات و شوک‌های موجود در بازار جهانی نفت نیز مانند سایر نقاط جهان تأثیر چشم‌گیری بر کشور نمی‌گذارد. با این حال، بحنکووید-۱۹ متفاوت است و هم‌چو گلوله برفی از برف کوچ برای ضربه زدن به اقتصاد شکننده و متاثر از جنگ خطرناک‌تر اثبات شده می‌تواند.

یک تحلیل عادی از اقتصاد افغانستان از سال ۲۰۱۴ به عنوان نقطه مرجع آغاز می‌شود. قبل از سال ۲۰۱۴، کمک‌ها به کشور سرازیر می‌شد و اقتصاد پس از سال‌ها وضعیت بد، رشد یک رقمی سعودی را تجربه می‌کرد. پس از سال ۲۰۱۴، اقتصاد به دلیل کاهش بی‌حد کمک‌ها، تجدید روند در خشونت‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری که منجر به تشکیل دولت وحدت ملی شد، متزلزل شد. اقتصاد موفق شد در سال ۲۰۱۹ در مقابل نرخ ۵ درصدی اهداف بلندپروازانه دولت با نرخ ناچیز ۲.۹

به حداقل رساندن عاقبت‌های ناگوار اقتصادی کووید-۱۹ در نظر بگیرد. به عنوان یک اقتصاد متکی بر کمک‌های کشورهای امدادسازان، کشور باید به کمک شرکای بین‌المللی و نهادهای توسعه وابسته باشد. برای پیش‌برد فعالیت اقتصادی از طریق پروژه‌های توسعه در سراسر کشور، بودجه اقتصاد افغانستان به بودجه انکشافی بیش‌تری نیازمند است. بخش‌های زیربنایی، صحت و آموزشی می‌توانند کاندیداهای بالقوه برای هزینه کردن باشند، به ویژه در مناطق روستایی. در بخش زراعت، برای مقابله با عدم اطمینان ناشی از صادرات محصولات کشاورزی، به ویژه میوه‌های تازه، خریداری‌های دولتی با قیمت‌های مناسب می‌تواند ضررها را به حداقل برساند. سکتور خصوصی، به ویژه صنایع آسیب‌دیده، به تسویه حساب مالیاتی احتیاج دارند. دولت هم‌چنین می‌تواند با هزینه‌های سبب‌ساز شده خدماتی مانند برق را ارزایه دهد. بدون شک هر دو اقدام، بار مالی برای دولت که باید منابع مالی برای آن ترتیب و در نظر گرفته شود را افزایش می‌دهد. در این میان هم‌چنان، دولت می‌تواند برای برخی از صنایع اجازه دهد تولید را با اقدامات دقیق کنترل شده آغاز کنند. به غیر از گزینه‌های پالیسی فوق، دو راه بالقوه دیگر نیز وجود دارد که می‌تواند پرتوی امید و اطمینان را برای مبارزه با بحران در میان مردم و جامعه صنعتی-اقتصادی کشور ایجاد کند:

اول، پیش‌رفت چشم‌گیر در مذاکرات صلح بین دولت افغانستان و طالبان.
دوم، حل‌وفصل اختلافات بین اشرف غنی، رئیس جمهور فعلی افغانستان و رییس اجراییه سابق عبدالله عبدالله در مورد نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹.
این امر باعث می‌شود که جمع‌آوری کمک‌های مالی زمانی که کمک‌کننده‌های عمده در حال مبارزه با ضررهای انسانی و اقتصادی کشورهای خود از این بیماری هستند را آسان‌تر کند. از طرف دیگر، این امر یک محیط تشویق‌کننده برای سرمایه‌گذاری سکتور خصوصی و هم‌چنین فضای احساسات مثبت عمومی در شرایط بحرانی در کشور را ایجاد خواهد کرد.
در حال حاضر، همه‌گیری ویروس کرونا بدون جدول زمانی مشخص در افغانستان و بقیه کشورها در حال افزایش است. بنابراین، مسلماً باید توجه بیش‌تر به کمک‌های بشردوستانه باشد، که برای آن دولت، شخصیت‌های ملی و سکتور خصوصی نیاز به همکاری مشترک دارند. در این میان، دولت باید برنامه‌ریزی برای حل بحران اقتصادی آتی را آغاز کند.

درصد رشد کند. این رشد در واقع وضعیت رکود در رشد بود؛ وضعیتی که اقتصاد در آن رشد می‌کند، اما با سرعت کندتر که باعث بی‌کاری مانند رکود واقعی اقتصادی، و منجر به کاهش مصرف عامه و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. کووید-۱۹ دقیقاً من حیث یکی از رویدادهای مهم با پتانسیل تغییر وضعیت اقتصادی، به افغانستان رسید. اولین مورد مهم «توافق‌نامه صلح در افغانستان» بین ایالات متحده و طالبان بود که در ۲۹ فبروری امضا شد. گزارش اخیر بانک جهانی وضعیت امنیتی در این کشور را به عنوان یکی از محدودیت‌های مهم برای سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد. به همین ترتیب، صلح می‌تواند راه را برای بهبود اقتصادی رو به زوال افغانستان هموار کند. دومین رویداد، کنفرانس تعهد در مورد افغانستان است که قرار است تا اواخر سال ۲۰۲۰ برگزار شود، زیرا سال جاری چهارمین و آخرین سال کمک‌های وعده شده در کنفرانس بروکسل در مورد افغانستان که در سال ۲۰۱۶ برگزار شده بود، است. این کنفرانس به افغانستان کمک می‌کند تا تعهدات بین‌المللی را برای بازسازی افغانستان برای چهار سال آینده جلب کند. متأسفانه، شیوع کووید-۱۹ توجه را از هر دو رویداد مهم کنار گذاشته و باعث شکل‌گیری بی‌اطمینانی در مورد آینده اقتصاد افغانستان می‌شود. شیوع این بیماری، شاخص‌های اقتصادی از قبل در حال بحران را بحرانی‌تر ساخته است. به عنوان یک کشور وابسته به واردات، واردات سالانه افغانستان بسیار بالاتر از ۷ میلیارد دالر باقی مانده است، در حالی که صادرات نزدیک به یک میلیارد دالر رسیده است. اگرچه عدم توازن بین صادرات و واردات بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد، اما منبع اصلی درآمد برای دولت است. سال گذشته، درآمد گمرکات حدود ۴۰ درصد درآمد سالانه افغانستان بوده است. با مقایسه درآمدهای ماهانه گمرک، درآمد ماه فبروری ۲۰۲۰ هفده درصد کم‌تر از ماه فبروری سال گذشته بوده است. این موضوع کاهش درآمد گمرکی تأثیر اولیه کووید-۱۹ را بر اقتصاد افغانستان نشان می‌دهد، پس از آن که چین مجبور شد ووهان را قرنطین کند. با افزایش همه‌گیری کووید-۱۹ در ماه مارچ ۲۰۲۰ از خارج از چین، تأثیرات شدید، اقتصاد افغانستان را تحت فشار قرار داد. درآمد گمرک ماهانه ماه مارچ با کاهش حدود ۹۰ درصد مواجه شده است.

رکود تجارت مشکلاتی را برای صنایع داخلی نیز در پی دارد. بخش قابل توجهی از عوامل تولید و مواد خام برای بخش‌های تولیدی، ساخت‌وساز و خدمات داخلی توسط سکتور خصوصی تازه به پا ایستاده شده وارد می‌شود. این

داستان افغانستان متفاوت است. چنین بسته‌های محرک به منابع مالی و مؤسسات قوی مالی نیاز دارند؛ عواملی که افغانستان فاقد آن‌ها است. دولت توانسته است حدود ۵۰ درصد از کل هزینه‌های خود را اداره کند، در حالی که باقی‌مانده آن توسط کمک‌کننده‌گان تأمین می‌شود. جریان‌های موجود عواید افغانستان در سال جاری کاهش می‌یابد، که توانایی دولت را در برآورده ساختن مخارج آن محدود می‌سازد. متأسفانه نهادهای کلیدی اقتصادی - از جمله وزارت‌خانه‌های مالیه، اقتصاد، صنعت و تجارت و هم‌چنین در افغانستان بانک (بانک مرکزی) - اکثراً در دوره اول ریاست جمهوری اشرف غنی توسط سرپرستان اداره می‌شدند. هنوز هم این وضعیت ادامه دارد و نهاد مهم مالی کشور، وزارت مالیه، قرار بود یک ماه پیش از طریق فرمان ریاست جمهوری به سه نهاد مستقل تقسیم شود. با این حال، بر اساس اخبار اخیر، این تصمیم اکنون مورد بررسی قرار گرفته و شایعاتی مبنی بر عقب‌گردی آن منجر به شک و عدم اطمینان در مورد ساختار مؤسسات مالی افغانستان می‌شود. در این زمینه، دولت گزینه‌های مختلفی دارد که می‌تواند برای

چگونه رییس جمهور ترمپ به کشتار مادران و نوزادان در افغانستان نگاه می‌کند؟

قولی بود از جانب اداره ترمپ، او او بی‌گمان با رهایی تعداد زیادی از جنگ‌جویان طالبان نمی‌خواهد طالبان را بیش‌تر از این خطرناک بسازد، در حالی که جنگ با شدت و حدت ادامه دارد.

ماموریت احمقانه‌ای است معنادار ساختن یک سیاست خارجی، که برای خوش‌سازی یک رییس جمهور ساخته شده، کسی که یک مجری نامدار تلویزیونی را به قتل یک امدادگر متهم می‌سازد در حالی که او از مرگ طبیعی‌اش فوت شده است. اما تناقض و عدم تجانس سیاست خارجی ترمپ به روی صفحه‌ی نمایش افغانستان بسیار واضح قابل دید است. چگونه یک رییس‌جمهور می‌تواند، از پیمان اتمی با ایران بیرون بیاید، ایرانی که مطابق آن پیمان از مفاد آن پیمان پیروی می‌کرد، اما اکنون تخطی‌های توافق صلح را از جانب طالبان نادیده بگیرد؟ چگونه رییس‌جمهوری که در سال ۲۰۱۴ رییس‌جمهور باراک اوباما را برای رهایی پنج زندانی طالب در برابر رهایی یک سرباز آمریکایی محکوم می‌کرد، اما اکنون تقاضا دارد پنج هزار زندانی طالبان در بدل هیچ، و تعهدات میان‌تهی رها شوند؟ چگونه رییس‌جمهوری که لاف می‌زند: «در اداره من، هیچ گاهی برای دشمنان آمریکا بهانه‌ای نمی‌سازیم... و هیچ گاهی برای شکست تروریسم بنیادگرایی اسلامی دست از کار نمی‌کشیم» حالا اما، دستیارانش را وامی‌دارد تا بهانه‌ای برای بنیادگرایان اسلامی درست کنند؟ و بیش‌تر از این‌ها، چگونه رییس‌جمهور، کسی که با ادراک کامل باراک اوباما را به خاطر عقب‌نشینی از عراق که سبب قوت گرفتن دولت اسلامی یا داعش شد محکوم کرد، اکنون بسیار مشتاقانه می‌خواهد همان اشتباه را دوباره تکرار کند. ترمپ به جنگ پایان نمی‌دهد، اما او گرفتاری آمریکا را در این جنگ پایان می‌دهد که بعداً احتمال زیاد پیروزی تروریستان را فراهم سازد تا آنان مادران و کودکان را قتل عام کنند.

رییس‌پولیس محل در ننگرهار که از اثر مرگ طبیعی‌اش فوت شده بود، یک حمله‌کننده انتحاری در میان تشییع‌کننده‌گان خودش را منفجر کرد که در اثر آن ۲۴ تن کشته شدند. به این می‌گویند تروریسم از گهواره تا گور. حمله به مراسم تشییع جنازه را دولت اسلامی (داعش) به عهده گرفت، اما حمله به بخش بیمارستان نسایی و ولادی که بسیار وحشیانه بود هیچ‌کسی مسوولیتش را به عهده نگرفته است. هر کسی که پشت این حمله بوده است، معنای بزرگش واضح است: شکست اغراق‌آمیز صلح که در بیست و نهم فبروری میان اداره ترمپ و طالبان اعلام شد. کاخ سفید اعلام کرد که به «تعهدات مهمی که به منازعه در افغانستان خاتمه می‌دهد» متعهد است. اما پس از گذشت شش هفته از امضای موافقت‌نامه صلح، هیچ علامتی از ختم جنگ به چشم نمی‌خورد. طالبان به نیروهای آمریکایی حمله نمی‌کنند، لیکن جنگ ادامه یافت که هزینه این جنگ وحشیانه را مردم و دولت افغانستان تقبل می‌کنند. طالبان ضمن اطمینان شاهی به سرگروه ویژه مذاکره‌کننده ایالات متحده آمریکا، زلمی خلیل‌زاد، که گفتند آنان تا ۸۰ درصد از خشونت‌ها را کاهش می‌دهند، اما دیده می‌شود که این ادعای بی‌ارزشی بوده است. رییس‌جمهور افغانستان، اشرف غنی، به سربازانش که در حالت تدافعی بودند، دستور داده است تا به حالت تعرضی در آیند. دولت او به درستی طالبان را مسوول ادامه خشونت می‌داند، حتا اگر طالبان پشت تمام حملات نباشند، سبب

◆ نویسنده: مکس بوت
◆ منبع: واشنگتن‌پست
◆ برگردان: سید روح‌الله

در حالی که ده‌ها هزار آمریکایی از اثر بیماری ویروس کرونا جان‌هایشان را از دست می‌دهند، سخت است که یک حمله تروریستی در خارج از آمریکا به شعور ما رسوخ کند. اما آن‌چه روز سه‌شنبه در کابل اتفاق افتاد، بسیار فجیع بود که نمی‌شود از آن چشم‌پوشید. سه مرد مسلح به بخشی از نسایی و ولادی شفاخانه‌ای یورش بردند و با نیروهای امنیتی مدت درازی به درگیری پرداختند. بنا به گزارش‌ها، ۲۴ تن به شمول چندین مادر کشته شدند. به گزارش نیویارک تایمز: «یک مقام امنیتی که تصویری از ویرانی بخش نسایی و ولادی بیمارستان را در دست داشت از بیمارستان بیرون آمد: به گفته یک مقام افغان، به مادران حین این که تلاش می‌کردند زیر تخت بیمار پناه بگیرند، شلیک شده بود، یک قابله خانم غرق در خون روی زمین افتاده بود، خانم دیگری که هنوز کودک نوزادش از او جدا نشده بود، کشته شده بود، اما کودکش هنوز زنده بود.» چگونه هیولاهایی می‌توانند به مادران و کودکان نوزادشان حمله کنند؟ هیولاهای مشابه به یک مراسم تشییع جنازه نیز حمله کردند. این حادثه نیز روز سه‌شنبه در ۱۶۰ کیلومتری شرق کابل اتفاق افتاد: حین برگزاری مراسم تشییع جنازه